

خطر کودتا از سوی امپریالیسم هزارچهره

باقی است

امپریالیسم امریکادار تدارک توطئه تازه‌ای علیه انقلاب ایران است. شکست توطئه اول دوم، امپریالیسم متجاوز و مداخله‌جوی رابرسر عقل نیابورد و از شکست‌های خود عبرت نیاموخت. امپریالیسم امریکا بر سر این قول با برجام‌نامه‌هاست که از ایران نمی‌تواند صرف نظر کند و ایرانی که امپریالیسم می‌خواهد، ایرانی است همانند ایران دوران طاغوت، وابسته به انحصارات نفت و اسلحه، منبع درآمد‌های نجومی برای امپریالیسم، جهنم مردم ایران و بهشت امپریالیسم غارتگر. و این از ذات امپریالیسم است که تغییر پذیر نیست.

برای استحاله ایران انقلابی و آزاد، به ایرانی وابسته و زانده ماشین جنگی جهان‌خواران، گرگ خونخوار امپریالیسم امریکا اگر زنده رانده شود، ازینجمله بدرون می‌آید، و چون ازینجمله بعبیرون افتد، از در وارد میشود. امپریالیسم هزارچهره گاه پیام و نامه می‌فرستد و گاه فانتوم و بیب. وقتی پیام کارتر در نام و مردم می‌آید، فانتوم و هلیکوپتر در بیابانهای طین پیاده می‌کند، و چون توطئه ناکام می‌ماند، توطئه دوم راندارک می‌بیند. جهان‌خوار درنده‌ای که می‌خواست به قیمت جان ۱۰ میلیون نفر بیگناه، مترسک خودبختیار را بر اریکه قدرت بنشاند، وقتی دستش روی‌شود و نقشه‌اش ناموفق می‌ماند، دست به نامه‌برانی می‌زند و در نامه ۱۸۵ نماینده کنگره، خود را جزو "ملل آزاد" جهان حساب می‌آورد و "پاسد/صلح جهانی" می‌خواند!

ولی برخلاف بن‌دار امپریالیسم که قصد خواب کردن مردم ما و وارد آوردن ضربتی را دارد، این نامه و آن پیام نه تنها مردم را خواب نبرد، بلکه آتش احساسات ضد آمریکایی آنها را دامن زد و خشم مردم را برانگیخت. واکنش بلافاصله حجت الاسلام رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و سخنان امام جمعه تهران، حجت الاسلام خامنه‌ای در خطبه قبل از نماز، منطبق با عکس العمل مردم در قبال آن نامه بود. رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در پاسخ به نامه ۱۸۵ عضو کنگره امریکا گفت:

"امریکا دروغ می‌گوید، امریکاتجاوزگراست. و امام جمعه تهران با کلمات اثر بخش خود این شیطان هزارچهره را رودر روی مردم گرفت و خطاب به او گفت: "از یکطرف نامه می‌نویسی و از طرف دیگر ما را تو برای اجرای توطئه کودتا، از مرزهای گوناگون وارد خاک ما می‌شوند. کدام را باور کنیم؟" امام جمعه تهران تصریح نموده که از سوی امپریالیسم امریکا توطئه بزرگتری علیه انقلاب مادرش تکیون است. این واقعیت که امپریالیسم بایگیری تمام در کار انجام بقیه در صفحه ۲

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران هنوز در اشغال «اشخاص متفرقه» است چرا اعلامیه دادستان کل کشور هنوز عملی نشده است؟

بشدت نگران کننده است، در زمانی ادامه می‌یابد که توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی آن برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، در مجاری تازه و خطرناکی جریان می‌یابد و ادامه فشار بر فعالیت قانونی و علنی حزب توده ایران، جز به مفهوم ایجاد مانع برای شرکت فعال بگیری ترین سازمان سیاسی خصم امپریالیسم آمریکا در مبارزات مردم علیه توطئه‌های این شیطان بزرگ نیست و جز به سود امپریالیسم آمریکا تمام نمی‌شود. وجه دیگر و نگران کننده "تعلل" در اجرای مفاد اعلامیه دادستان کل کشور، زیر سؤال قرار دادن قدرت بقیه در صفحه ۲

حجت الاسلام خامنه‌ای:

- ای مردم ایران! آمریکا دست بردار از حمایت مزدوران خود نیست.
- من به سپاه، ارتش و بسیج ملی، می‌گویم که آمادگی‌های رزمی خود را باید حفظ کنید و مردم نیز باید آمادگی مقابله با دشمن نابکار را داشته باشند.
- ملت ایران بطور قاطع تصمیم دارد که رابطه سنتی میان ظالم و مظلوم را در روابط خود با شما (آمریکا) بر هم بزند. ما تصمیم داریم که تسلیم بر قدرت آمریکا نشویم.

حجت الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران، در خطبه نماز جمعه خویست، بر عزم راسخ مردم ایران به مبارزه بی‌مان و وقفه‌ها با امپریالیسم آمریکا تا کیدکردن و ضرورت مراعات نظم را تصریح نمود. وی از جمله گفت:

"امروز همه مسلمانان همه نقاطی که در زیر بار خصمانه استعمارگران لگدمال می‌شوند، چشم انتظار شما هستند که مبارزه خود را هر چه بیشتر علیه ستمگران ادامه دهید. البته مردم باید بدانند که انقلابی بودن غیر بی‌نظم بودن است. مردم غیر مسئول فقط با مراجعه به مسئولین کار را انجام دهند. اگر مسئولین نایب هستند، بروید و با آنها راجع ملاحظاتی بکنید."

"این هفته، هفته آمادگی مسلمانان جهان برای روز قدس است و برای غرب روز مقابله با مسلمانان است و نمونه‌اش همین سرکوب جوانان مسلمان در آمریکا است. یک عده جوان مسلمان و دانشجویان آمریکا، در مقابل ساوا کیهانی فراری که می‌خواستند نظارت‌ها را کنند، نظارت‌ها را راه انداختند و پلیس آمریکا، این دولت طرفدار حقوق بشر و آزادی، مثل یک وحشی بجان دشمنان و پسران مسلمان افتادند و حدود شصت نفر را کشته و زخمی کردند. ای اعضای کنگره و ملت آمریکا، شما برای مجلس شورای اسلامی نامه نوشتید و محبت از دوستی و صلح و صفا گردید. ما حرف شما را نمی‌شنویم باور کنیم. شما به زبان می‌گوئید که قطع روابط دو کشور ضرر هر دو کشور است، ولی در همین حال عوام مل مزدور دست‌نشانده شما از مرزها وارد میشوند برای خریداری در همان حال که می‌گوئید آمادگی دارید برای همکاری، پلیس شما، جوانان ما را به زندان می‌اندازد"

"پیام من برای دولت آمریکا اینست که ملت ایران بطور قاطع تصمیم دارد که رابطه سنتی میان ظالم و مظلوم را در روابط خود با شما بر هم بزند. ما تصمیم داریم که تسلیم بر قدرت آمریکا نشویم، ملت ما ایستاده است. مجلس شورای اسلامی و سران حکومت ما ایستاده اند و با یدبا ایستند. شما در ایران کودتا براه انداختید. دیدید که با چه وضعی مواجعه شدید و بینیتان به خاک مالیده شد."

"ای مردم ایران، آمریکا دست بردار از حمایت مزدوران خود نیست. من به سپاه، ارتش و بسیج ملی می‌گویم که آمادگی‌های رزمی خود را باید حفظ کنید و مردم نیز باید آمادگی مقابله با دشمن نابکار را داشته باشند."

۹ روز از انتشار اعلامیه دادستان کل کشور می‌گذرد و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، دفتر نامه "مردم" و تعدادی از دفاتر حزب توده ایران در شهرستانها هنوز در اشغال اوباشانی است که طبق تصریح این اعلامیه، اقدام آنها، "خلاف مقررات جاری و محل امنیت قضایی و تضعیف ارگان‌های مملکتی، مخالف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم" بوده است. دادستانی کل کشور، که ۱۰ روز پیش طی اعلامیه‌ای صریحا اقدام مهاجمان را "بهاه خوب و زمینه مساعدی... که ضد انقلاب زیر پوشش آن نجات و افکار و نقشه‌های شوم خود را عملی سازد"، خوانده است، هنوز اقدامی برای اسزاداد دفاتر حزب ما و بیرون راندن و مجازات مهاجمان قانون شکن، انجام نداده است و بدین‌سان متاسفانه بر دوام "زمینه مساعد" برای تحقق "نجات و افکار و نقشه‌های شوم ضد انقلاب" چشم فرو بسته است. تعلل در عملی شدن اعلامیه دادستان کل کشور، که

حمله مسلحانه به پادگان نظامی در تهران

مسلحانه به پادگان نظامی در تهران رویداد است هشدار دهنده، که در عین حال نمایانگر گسترش فعالیت نیروهای ضد انقلاب و آن گروه‌های مسلحی است که وظیفه فراهم کردن زمینه‌های مساعد و لازم راجعت اجرای این توطئه ایفا می‌کنند. از سوی دیگر این حمله مسلحانه نشان می‌دهد که گروه‌های ضد انقلاب در اقدامات تخریبی و ضربه وارد کردن به نیروهای انتظامی تا آن حد جسور و گستاخ شده‌اند که آشکارا، با قصد تصرف یک پادگان نظامی در تهران، به عملیات مسلحانه می‌پردازند و این درگیری مسلحانه قریب هفت ساعت ادامه می‌یابد. حمله مسلحانه به پادگان نظامی در تهران را، با قصد تصرف پادگان، نباید یک عمل ماجراجویانه گروهی متجاسر و بدون ارتباط با مجموعه فعالیت‌های تخریبی نیروهای ضد انقلاب تلقی کرد. چگونه گروهی مسلح به سلاح‌های سنگین و سبک توانسته است در ساختمان روبروی پادگان نظامی مخفیگاه و در واقع موضع حمله به پادگان را برای خود تهیه کند، و از همه مهمتر، در ساعت ۱۰ شب به حمله مسلحانه برای تصرف یک پادگان نظامی اقدام کند؟ آیا هدف این گروه از تصرف پادگان نظامی، بدست آوردن اسلحه و مهمات بوده و یا تصرف پادگان و استفاده از آن به‌نانه سربل جهت گسترش عملیات مسلحانه به مقیاس وسیعتر، که در هر دو مورد، این بر سه‌شماره می‌شود که: اگر قصد بدست آوردن اسلحه و مهمات پادگان را داشته‌اند، این اسلحه و مهمات را برای چه کسانی می‌خواستند و دستور چنین مأموریتی از جانب چه کسانی به آنها داده شده است، و چنانچه قصد تصرف پادگان را جهت ایجاد سربل و گسترش عملیات مسلحانه در سطح شهر داشتند، چه عده و گروه‌های دیگری در این عملیات با آنان همدست بوده و در مراحل بعدی حملات مسلحانه و یا عملیات تروریستی و تخریبی به آنها می‌پیوسته‌اند؟ در ارتباط با حمله مسلحانه به پادگان نظامی در تهران، این بررسی نیز پیش می‌آید که: آیا یک گروه مسلح چند نفری، چنانچه اطلاع دقیق از امکانات دفاعی درون پادگان نداشته‌باشند و یا احیانا همدستان در پادگان نداشته‌باشند، چگونه به یک چنین عمل جسورانه‌ای دست می‌زنند؟ تحقیقات از افراد دستگیر شده در این ماجرا، قاعدتا می‌بایست این موارد ابهام را روشن سازد و تمام شبکه و گروه‌های مربوط با این حمله مسلحانه کشف و دستگیر کنند. این انتظار جدی و قوی مردم است.

مطلب دیگری که در این حمله مسلحانه به پادگان نظامی در تهران نمایان دقت است، شرکت یک افغانی است که در جریان تخریب‌های رزمی و دستگیری‌شده و اعتراف می‌کند که قصد حمله، تصرف پادگان نظامی بوده است. این نخستین بار نیست که افراد یا گروه‌های افغانی در این قبیل عملیات و از جمله قاچاق اسلحه و مواد مخدر و سرقت‌های مسلحانه شرکت دارند. اطلاعات امام جمعه مشهد و دستوریست شدن دفاتر و مراکز جمعیت‌های افغانی در خراسان، از نمودارهای بارز و افشاگرانه‌های این گروه‌ها و جمعیت‌ها و ارتباط آنان با عوامل امریکا و نیروهای ضد انقلاب است.

آیا موقع آن نرسیده‌است که به‌فصلیت مخرب عناصر و گروه‌های ضد انقلابی افغانی، که زیر لوای اسلام، فقط به مبارزه با جمهوری دموکراتیک افغانستان، بلکه به توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیز مشغولند، پایان داده‌شود؟

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان، متحد شویم!

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره: هفتم، سال دوم، شماره: ۲۹۹
دوسد ۱۳ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۵ ربان

حمله مسلحانه به پادگان نظامی در تهران

شب پنجشنبه ۸ مرداد، از جانب گروهی مسلح به سلاح‌های سنگین و سبک، به یکی از پادگان‌های نظامی تهران، واقع در خیابان پاسداران، نرسیده به چهارراه دولت حمله شد. طبق گزارش مطبوعات، مهاجمان به پادگان نظامی به سلاح‌های تیربار کالیبر ۵۰، ۳۰ و کلاشینکف مجهز بودند و از داخل ساختمان روبروی پادگان به بیرون آتش گشودند. پاسداران به کنگ افراد کمیته‌های مقابله با مهاجمان پرداختند و حمله مهاجمان را خنثی کردند. این درگیری مسلحانه، از ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه روز چهارشنبه تا ساعت ۴:۳۰ دقیقه با مدت روز پنجشنبه ادامه یافت و در جریان آن چندین زخمی و پنج تن از مهاجمان دستگیر شدند. یکی از مجروح شدگان که افغانی است، در تحقیقات اولیه اعتراف کرد که مهاجمان قصد داشتند این پادگان نظامی را تصرف کنند. با توجه به اخباری که پس از کشف توطئه کودتا و دستگیری مجریان آن، در مطبوعات و از جانب مقامات رسمی درباره توطئه جدید دیگری انتشار می‌یابد، حمله

استرداد اموال شاه مخلوع مسئله روز

تخمین ابتدائی اموال از ۱۸/۷ میلیارد دلار تا ۱۰۰ میلیارد دلار
تنها در یک ماه ۲/۴ میلیارد دلار توسط بنیاد پهلوی به حساب شاه مخلوع ریخته شد.

استرداد اموال شاه مخلوع، که ملک مسلم مردم ایران است و طی سالیان دراز توسط خاندان منقوری غارتگری و دزدیده شده، با مرگ شاه مخلوع باردیگر به یک مسئله روز بدل شده است.

درباره میزان این اموال منابع مختلف، اطلاعات گوناگونی می‌دهند. یکی از این منابع، یک وکیل دادگستری سوئیس است به نام دی فن باگر. به‌طوریکه روزنامه فرانسوی لوموند، در شماره سه‌شنبه خود، از قول وی می‌نویسد، ثروت شاه مخلوع رابه حدود ۱۸/۷ میلیارد دلار تخمین می‌زند. علاوه بر شاه مخلوع در سوئیس سه ملک دارد: دو قطعه در سن موریتس و یکی نزدیک ژنو. قیمت این مستغلات به‌نوشته لوموند حدود هفت میلیون فرانک سوئیس است. بقیه افراد خانواده فاسد پهلوی نیز جدر سوئیس وجه در ایالات متحده امریکا، انگلستان و اسپانیا، املاک، قصرها و ویلاهای متعدد دارند. به‌نظری رسد که وکیل مزبور به‌تدریج در باره ثروت شاه مخلوع در سوئیس اطلاع دارد.

لوموند می‌نویسد که توسط بنیاد پهلوی سابق، مرتبا مبالغ هنگفتی به حساب شخصی شاه مخلوع و خانواده او به بانکهای خارجی منتقل می‌شده‌است. مثلا در یک ماه، ماه اکتبر سال ۱۹۷۸- حدود ۲/۴ میلیارد دلار پول به حساب اینهارخته شده‌است. علاوه بر خرونده غارتگر، حساب فرح ۳۳ میلیون دلار، حساب اشرف ۶ میلیون دلار، حساب محمودرضا ۵/۵ میلیون دلار، و همچنین ۱۵ میلیون دلار به حساب سایر پهلوی‌ها در این یک ماه وارد شده‌است. بقیه در صفحه ۲

فشار سبانه پلیس آمریکا علیه دانشجویان ایرانی افزایش می‌یابد

در حالیکه اعتراضات دانشجویان ایرانی مقیم ایالات متحده آمریکا علیه سرکوب نظارت‌ها بر آنان علیه دسیسه‌های دولت کارتر و ایادی ایرانی آن در قبال انقلاب ستمگر ایران ادامه دارد، مقامات "منتخبی" آمریکا نیز به فشار خود علیه دانشجویان ایرانی می‌افزایند.

بطوریکه خبرگزاری پارس روز شنبه پیش گزارش داد، جیمی کارتر پس از لغو برنامه‌های عادی خود، در جلسه‌ای فوق العاده با برخی از مقامات بلند پایه آن کشور، از جمله وزیران دادگستری و خارجه و روسای پلیس و اداره مهاجرت، پیرامون وضع دانشجویان ایرانی در آمریکا به‌گفتگو نشست.

در این میان، مقامات آمریکا تصمیم گرفته‌اند که به‌بانه حفظ نظم، با زندان شدن دانشجویان ایرانی را از واشنگتن خارج کنند. گفته می‌شود که پلیس آمریکا ۱۷۲ دانشجویان مبارز ایرانی را با حضور و اجبار نخست به پایگاه هوایی آندروود، در نزدیکی واشنگتن منتقل کرده و سپس آنها را با دو هواپیمای با بربری به نیویورک فرستاده است. همچنین ۲۰ تن از دختران دانشجوی ایرانی به مقصدی نامعلوم انتقال یافته‌اند.

اعتماد بقای دانشجویان ایرانی به اعتراض علیه وحشیگریهای پلیس واشنگتن شش روز است که ادامه دارد. اینک چهل تن دیگر نیز در برابر بارکاخ سفید به اعتماد بی‌سود پیوسته‌اند. پلیس آمریکا نظارت‌ها بر دانشجویان ایرانی هوا را در انقلاب و هواخواهان آمریکا بی‌خارجی آنها را قدغن کرده‌است. یکی از وکلای دانشجویان ایرانی از این واقعت اسرارزاد تنفر کرده جیمی کارتر را زیکسود میدم، ربا - کارانه نگرانی خود را نسبت به سرکوب "گروگان‌های" آمریکا بی در تهران اسرارزاد را دروا زسوی دیگر پلیس سخ خود را بجان دانشجویان بیگناه ایرانی می‌اندازد. در حالی که همه گزارش‌ها حاکی از آنست که با جاسوسان آمریکا بی در ایران هیچگونه بد رفتاری نمی‌شود.

خطر کودتا هنوز باقیست...

توطئه دیگری علیه استقلال ماست، مورد تایید همه عناصر روشن بین است. برای اجرای این نقشه، پلید، امپریالیسم آمریکا هم در آذوقه در می آید، هم موزیانانه تهدید می کند، هم پنهانی نقشه می کشد و هم آشکارا تجاوز نظامی می کند. امپریالیسم آمریکا نه تنها طاغوتیان فراری، افسران بازنشسته، مزدوران رژیم پیشین و ساواکی ها را زیر پرچم رنگ باختی بختیار و اوپسی متشکل می کند، نه تنها شبکه های مهم کودتا را به تشدید فعالیت وامیدارد بلکه امپریالیسم آمریکا سعی دارد تا با انشار وصیت نامه، مسخره، ناه معدوم و مصاحبه مطبوعاتی بیوه، او، عده های را به دور نابوت رژیم سلطنتی جمع کند. بخنبار اعلامیه می دهد که مخالفان رژیم جمهوری اسلامی ایران کسب او وفادار است و صدای آمریکا و دیگر سخنگویان امپریالیسم از فقر اطلاعات جهانیان درباره انقلاب ایران سوء استفاده می کنند و شب و روز دروغ و تحریف به خورد مردم می دهند. اینهمه، تدارک آن توطئه های است که به کمان امپریالیسم آمریکا باید انقلاب ایران را سرکوب کند و رژیم دست نسانده آمریکا را بر جای نظام برخاسته از انقلاب بنشانند. این توطئه باید در ادامه سیاست ضربه از داخل و حمله از خارج آمریکا، به دست ضد انقلاب پیاده شود و از این رو ایجاد وحدت در میان ضد انقلاب گوش به فرمان سلطنت و بختیار و اوپسی از اهداف مهم امپریالیسم امریکاست.

اما امپریالیسم آمریکا کور خوانده است. در یک سو لشکر شکست خورده ضد انقلاب، خودباخته و تهی از باور و ایمان قرار دارد و در سوی دیگر خلقتی برآمده از انقلاب، آبدیده در کوره بیگانه، مومن و سراپا ایثار، کیسب جو و منتقم، که زیر پرچم سوراخ سوراخ ۶۰ هزار شهید خود آماده است تا به فرمان رهبر انقلاب، امام خمینی، به مقابله با توطئه امپریالیسم رود. در این سو هرچه هست آمادگی و ایثار و استقامت و شرف است و در آنسو بی باوری به هدف و جنگ و دعوا بر سر عقائم احتمالی، لشکر جوار و غارتگر آنسو به سپاه ایمان و ایثار این سو هرگز چیره نخواهد شد، ولو زرادخانه امپریالیسم را پشت سر داشته باشد. این واقعیت است.

اما واقعیت دیگری نیز وجود دارد که باید مورد توجه عاجل مسئولان ملکیتی قرار گیرد و آن ضرورت غلبه بر جو تشمت و اختلاف و بگو و مگوست در میان مقامات مسئول بر سر مسائل شخصی و گروهی، که هم حل مهمترین مسائل ملکیتی را موقوف گذارده و هم مردم را خسته کرده است.

مردم می پرسند: وقتی رئیس جمهور از دهها نامهای سخن می گوید که خبر از توطئه جدید امپریالیسم می دهد، وقتی خطبه نماز حجه الاسلام خامنه ای دلالت بر وجود توطئه بزرگ دیگری از سوی امپریالیسم دارد، زمانی که حاکم شرع پایگاه نوزده صریحا می گوید که بخش بزرگی از شبکه کودتای ۱۸ تیر دست نخورده باقی است، وقتی حزب توده ایران با سند و مدرک خطر کودتا را نشان می دهد و هر روز مردم و مسئولان را به هشیار در برابر خطر کودتا فرا می خواند، مسئولان را چه افتاده است که نمی توانند پیله اختلافات شخصی و گروهی را دریده و با توافق بر سر یک دولت انقلابی، دست در دست مردم، آماده کارزار با هر متجاوز شوند که قصد تجاوز به استقلال و حاکمیت سرزمین ما را داشته باشد؟ نباید در این روزهای حساس، منطق انقلابی دست اندرکاران ملکیتی بر خواسته های گروهی شان چیره شود؟

حجه الاسلام خامنه ای در خطبه نماز جمعه این حقیقت مسلم را یادآور شده است که برای مقابله با توطئه های جدید امپریالیسم آمریکا بر ضد انقلاب می باید همه مردم، از زن و مرد و بزرگ و جوان و کودک آماده و مجهز شوند. این آمادگی و تجهیز، وحدت عمل همه نیروهای مدافع انقلاب را باید بر دارد و باید در بر داشته باشد. هشیار، آمادگی، اتحاد، سلاح پیروزی بر هر توطئه ضد انقلابی است. این سلاح را هر روز بیش از روز پیش صیقل دهیم.

استرداد اموال شاه مخلوع - مسئله روز

تمام این پولها ثمره رنج و کار مردم ایران و ثروت کشور است و باید به ایران بازگردانده شود. اما مبلغ واقعی دزدیهای شاه مخلوع از ایران، از منابع طبیعی کشور و از کوشش زحمتکشان ما بسیار بیش از اینها است. حداقل در آمریکا معادل ۵۶ میلیارد و شصت میلیون دلار دزدیهای آمریکا به نام شاه مخلوع موجود است که باید حتما به ایران بازپس داده شود. ولی اینهم تازه همه دارائی های این غارتگر و خانواده او نیست. آنها در فرانسه، در انگلستان، در اسپانیا، در آلمان غربی و گویا در برخی کشورهای امریکای لاتین نیز ثروت منقول و غیر منقول بسیار دارند. رادبوی مسکو، به نقل از مدارکی که بدست دانشجویان مسلمان بیروخط امام افتاده، ثروت شاه مخلوع را حداقل بالغ بر یکصد میلیارد تخمین زده است.

البته از غارتگری که تمامی بودجه کشور را راجیب خودش و همه معادن ایران را متعلق به خودش و خزانه کشور را گاو صندوق خود می دانست، عجیب نیست که به چنین ثروت افسانه ای دست یابد. ضنا به بیند چقدر به انحصارات جبارانه امریکایی و اروپای غربی و ژاپنی خورنده، که خودش اینهم برده است!

اما حالا مسئله، حاد، مسئله ای که بعد از مرگ شاه مخلوع، در دستور روز قرار می گیرد، استرداد کلیه این اموال به ایران و به مردمی است که صاحب بحق آن هستند. بی تردید امپریالیست های امریکایی (واروایی) تمام کوشش خود را بکار خواهند برد تا این ثروت مارا ببلند. ما نباید بگذاریم آنها در این جبهه موفق شوند. استرداد اموالی که به نام شاه مخلوع در خارج است، بخصوص سوییچ یک عرصه مهم نبرد ضد امپریالیستی ما است.



تنها هشت کشور ارتجاعی تاکنون رژیم کودتای بولیوی را به رسمیت شناخته اند

خونخواهی نظامی ارتجاعی که جنده پیش زمام امور را در بولیوی بدست گرفت، همچنان با مقابله و مقاومت مردم آن کشور روبرو میشود. چنان که گزارش می رسد، حتی در ساعات شبانه سه منع عبور و مرور، در کربلای متعده می میان سکنه لاپاز و نظامیان بولیوی، متعده می میان آزوسی دیگر، معدنچیان بولیوی، سوسیست هفته، اعتصاب خود را آغاز می کنند. از کودتای نظامی بولیوی تاکنون، حداقل ۱۵۰۰ نفر جان خود را از دست داده اند.

به نوشته یکی از روزنامه های وابسته به محافل کاتولیک بولیوی، سردبیری یکی از خبرنگاران آن روزنامه با زداشت شده اند. نظامیان بولیوی، پیش از این به دستگیری دست کم هشت کشیش کاتولیک مبارز و زبیده بودند.

بموجب فرمانی که از سوی کودتای جیبان بولیوی صادر شده است، ارتش آن کشور حقیق دارا، هر یک از افراد آن کشور را به خدمت وظیفه مجبور سازد. هرگونه سرپیچی از این فرمان با مجازات شدید روبرو خواهد شد. تاکنون تنها هشت کشور، دولت کودتاگر لوئیس کارسیا مسا را به رسمیت شناخته اند، این کشورها عبارتند از: آفریقای جنوبی، تایوان، مصر، اسرائیل، آرژانتین، پاراگوئه، اروگوئه و برزیل.

تظاهرات ضد نژادپرستی دانش آموزان در آفریقای جنوبی

روز جمعه ۱۵ مرداد، پلیس آفریقای جنوبی، باردیگر برای مقابله با تظاهرات دانش آموزان ضد نژادپرستی در "پورت الیزابت"، به گاز اشک آور و تیراندازی متوسل شد. در این تظاهرات، دانش آموزان دبستانها و دبیرستانها علیه تبعیض نژادی در آموزش به اعتراض پرداختند. در راههای گذشته، برخاسته دانش آموزان سیاه رنگین پوست آفریقای جنوبی علیه رژیم آپارتاید همواره گسترش یافته است. در جریان این تظاهرات اعتراض آمیز، چندین دانش آموز جان سپرده اند.

نقض حقوق بنیادی سرخپوستان در آمریکا

به گفته رئیس یکی از قبایل سرخپوست آمریکا، "آمریکایی های بومی از هرگونه حقوق بنیادی انسانی و مدنی محرومند". او در مصاحبه ای با خبرگزاری "ا.د.ن" (جمهوری دمکراتیک آلمان) اظهار داشت: مقامات ایالات متحده می خواهند قبیله مرا از بین ببرند. آنها هیچ چیز از کودک را از والدینشان جدا نمی کنند، تا اصطلاح آنها را در نظام اجتماعی آمریکا اذیت کنند. قزاقان بر این حیث هزاران بزه خردن شده اند.

رهبر قبیله سرخپوستان اعلام داشت که قزاقان روسای قبایل بومی آمریکا پایتخت اسنادی به سازمان ملل ارائه دارند و در آن به افشای نقض فاحش حقوق قبایل سرخپوست در ایالات متحده آمریکا پرداختند.

درباره اعلام بیت المقدس بعنوان "پایتخت اسرائیل"

شورای امنیت تشکیل جلسه می دهد روز دوشنبه ۱۳ مرداد شورای امنیت سازمان ملل متحد، برای رسیدگی به اعلام بیت المقدس بعنوان "پایتخت جاودانی و تقسیم ناپذیر کوشیهود" از سوی کنگست (پارلمان) اسرائیل، تشکیل جلسه خواهد داد. گروهی از کشورهای اسلامی برگزار این جلسه را خواستار شده اند. چندی پیش، شورای امنیت سازمان ملل "هرگونه تغییری را در موقع اورشلیم" و یا "انضمام بخش خاوری آن رابه اسرائیل، غیرقانونی" خوانده بود.

چرا اعلامیه دادستان...

مهمترین ارگان قضایی جمهوری اسلامی ایران در حفاظت از قانون اساسی در قبال "اشخاص متفرقه"، و رسوخ این فکر تکان دهنده در آذهان مردم است که جمهوری اسلامی ایران در قبال قانون شکنی ها، غارتگری ها و تجاوزات عناصری که آگاهانه و ناآگاهانه در جهت نیات ضد انقلاب عمل می کنند، آسیب پذیر و غیرقابل محافظت است. به راستی چه نیروهایی، "اشخاص متفرقه" قانون شکن و آشوب طلب و ایجادکننده زمینه برای ضد انقلاب را در زیر پانها در قانون اساسی و مقابله با اجرای اعلامیه دادستان کل کشور، یاری می کنند؟ چه نیروهایی جمهوری اسلامی ایران را به لمبهه دست مشت مسلمانان بدل کرده اند؟

متاسفانه ادامه مسامحه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران در اجرای مفاد اعلامیه دادستان کل کشور، نگرانی فوق العاده را باقی و تشدید می کند. هنوز دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، یکی از مستحکم ترین سنگرهای مردم ایران در مبارزه با توطئه های امپریالیسم آمریکا، تخلیه نشده است، هنوز توطئه گران معلوم الحالی که درست پس از عقیم ماندن توطئه خطرناک کودتای امریکایی در دست هم زمان با اول رگبار دشنام و ختم بلندگوهای ضد انقلاب و بختیارها علی حزب توده ایران، به دفاتر این حزب حمله کردند، در جای خود باقیند.

ادامه اشغال دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، دفتر نامه "مردم" و دفاتر حزب در شهرستانها، نه تنها به سود توطئه های امپریالیسم امریکاست، بلکه مستقیما به تضعیف جمهوری اسلامی ایران و ارگان های قانونی آن در قبال حامیان قانون جنگل منجر می شود. ما موکدا خواستار اجرای فوری و بدون قید و شرط مفاد اعلامیه دادستانی کل کشور، بیسرون راندن و دستگیری اشغالگران دفاتر دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، دفتر نامه "مردم" و دفاتر مرکز حزب شهرستانها و استرداد و جبران مسائل به غارت رفته توسط اشغالگران هستیم.

آیا هنوز وقت آن نرسیده که ریشه سر مایه داری را قطع کنیم؟

اینست کارنامه شما... در بخش دیگری از نامه، سئوالاتی در مورد عملکرد دادستان کل انقلاب مازندران مطرح شده است و از جد آمده است:

"آقای بازوکی به چه مجوزی حکم برادر مجاهد گویا را صادر کردید؟ در روابط عمومی سپاه پاسداران که مشغول صادره اموال و ساختمان های فودالها به لطف کردید؟ چرا تاکنون خسروهای و خطیبی ها و علوی ها وارد اعدام نشده اند؟

به چه حقی با صدور این احکام اینقدر به آن ها داده اید که شوقلی ها با بسیج کردن مشت معناد و چماق دار برادران انجمن های اسلامی را در هتل مازندران ضرب چاقو مجروح کنند؟

آیا بهتر نیست که بجای سازش با این گونه افسد (سرمایه داران و ضد انقلاب بیون) به حرف ملت و به درد ملت گوش دهید و ببینید که مردم چه می گویند و به چه بدبختی آنها برسید؟ بهتر نبود بجای مارک گونیست، به برادران انجمن اسلامی، که نزد شما آمدند، به آنها گوش می دادید؟ ...

در آخر این نامه خطاب به آقایان بازوکی و طباطبائی گفته شده: "ما سعی خواهیم کرد با اتحاد بیش از پیش با ک نیروهای در خط امام شما را رسوا و عملکردهای غلط شما که باعث فریب زدن به انقلاب اسلامی ما شد، افش نمایم..."

نامه "مردم" - امیدواریم مسئولین اجرایی ملکت توجه به نکاتی که در اعلامیه های سپاه پاسداران کرد سپاه پاسداران قلمشهر و نیز نامه اتحادیه دانشجویان و دانش آموزان ساری آمده است، هرچه سریع تر به عملهای دادستان کل انقلاب اسلامی مازندران رسیدگی کند و اقدامات لازم را به عمل آورد و اجازه ندهند که مایه سر مایه داران و ضد انقلاب بیون بیش از این ادامه یابد.



رویدادهای ایران

فعالیت ضد انقلاب در ایچاد

نامانی در جاده ها

عوامل ضد انقلاب در توپان کرج دست به ایجاد محیطی نا امن و متشنج می زنند. تاکنون بارها دیده شده است که عده ای با نام مسافر و با خرد در کتا را توپان کرج می یستند و از ماشینهای سواری میخاوهند که آنها را به مقصد برسانند. لیکن به محض سوار شدن، با کلت و سلاحهای گرم و سرد را نشانه می کنند و مجبور می کنند که تمام موجودی خود را به آنها تحویل دهد. این اعمال بدون شک علیه منافع انقلاب و به سود ضد انقلاب است. به این گونه اعمال که نتیجه ای جز ایجاد جوی نا امن و متشنج بسود عمال امپریالیسم جنتا بیستکار آمریکا ندارد، باید هرچه زودتر پایان داده شود. ما مورین انضباطی و بخصوص ما مورین پلیس راه باید با رعایت دقیق از جاده ها و دستگیری و مجازات این "زاهزان" اجازه ندهند که ضد انقلاب با استفاده از این اعمال، تبلیغات مسموم و زهر آگین خود را علیه جمهوری اسلامی ایران افزایش دهد.

انتشار نشریه «پیام مبارز» در ساری

اخیرا نشریه ای با نام "پیام مبارز" در ساری چاپ و توزیع شده است. در این نشریه که با حمایت و همکاری جوانان و انجمنهای اسلامی ساری و موعه تهیه شده و انتشار یافته است. نارسائی های جامعه و دردهای زحمتکشان شهر ساری و روستاهای اطراف آن و نیز پیام مبارزان و پناهدهای انقلابی است. همچون سپاه پاسداران، جبهه دسا زندگی، ستاد مبارزه با احتکار و ستاد مبارزه با خواران منعکس می گردد.

در شماره ۱ این نشریه مطلبی در مورد "نمونه های مستند و گویا از توطئه فئودالها و وحامیت مسئولین دادگاهها و آنها" چاپ شده است. در این مطلب از جمله آمده است: "حالا بعد از انقلاب زمینهای تقسیم شده بین ۲۰ کشا ورز را گرفته و ۴۰ هکتار زمین را به فئودال معروف (علی ملک پور) میدهند و آقای اسمعیلی رئیس دادگاه حکم محکومیت آنها را میدهد... امید است در این حرکت جدیدی که با زهم به رهبری امام خمینی منظور با کساری بیدارگاه شاهنشاهی و تصفیه عناصر شاهنشاهی آزادارات و ارگانهای مملکت آغاز شده، کلیه افرادی که این چنین خونهای شهدا را با پمال می کنند و حای فئودالها و

حمله به کانون دانش آموزان در درشت

کانون دانش آموزان ایران در درشت روز مرداد مورد حمله عده ای تحت عنوان "حزب الهی" قرار گرفت. این افراد که پس از نماز جمعه ایرا دیک سخنرانی تحریک آمیز در این مراسم به راه افتاده بودند، کلیه نشریات، کتب و اسلک تا کانون را به خیابان ریختند و آتش زدند. آنها در مسیر خود همچنین به مقر مجاهد خلق و چریکیهای فدایی خلق نیز حمله کردند. ماضن اعتراضی به این عمل غیرقانونی ضد انقلابی، با ردیگرا مسئولین امر می خواهد و به آنها هشدار می دهد که جلوی فعالیتها ضد انقلاب و زمینه چینی آن را برای سوء استفاده های بعدی، قاطعا نه بگیرند.

توده ایها در سنگر مبارزه با ضد انقلاب

قوچان: در هفته گذشته ضد انقلاب در قوچان اقدام به نوشتن شعارهای مضمون دفاع شاه معدوم و آمریکا و توهین بر رهبری انقلاب و نیز چسبیدن پرچم های سه رنگ تحت پوشش شعارهای همچون "جوایر ایران نباشد تن مر مباد" نمود. هوا داران حزب توده ایران، فوریت اقدام به پاکسازی شعارهای ضد انقلاب کردند و بجای آن شعارهایی با مضمون پشتیبان از انقلاب و لزوم تشکیل جبهه متحد خلق نوشتن این اقدام با استقبال مردم مبارز قوچان روبرو شد.

درگز: درگز از جمله شهرهایی است که عتار، ضد انقلاب تحت پوشش حزب ایران به فعالیت شفاق افکنانه مشغولند. ضد انقلاب در درگز همه گونه فضا روتضییقات برای هوا داران حز توده ایران، که سرخانه و قاطعانه و شرایط با تناسب دشواری، مشت دفاع از انقلاب و خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی افشاء ما هیبت بورژوا - لیبرالها و احزاب امریکایی را به پیش می برند، فراهم می سازد. از جمله آخرین تلاشهای مذسوحا ضد انقلاب آنست که صبح زود افرادی بی پروای نام تر که بر دیوارها نصب میشود، شعارهای ضد انقلاب و توهین بر رهبران انقلاب مینویسند.

سر مایه داران هستند، کتا زده شوند.

در همین شماره مطالبی دربارہ معرفی ربا خواران و کرا فروشان و نیز فئودالها معروف ساری درج شده است. - ضمیمه ایرا از خشنودی انتشار رجنین نشریات، که با جهت گیری مرد ضد فئودالی خودگام موه شری در افش دسایس فئودالها و مزدوران رژیم گذشته برم دارند، امیدواریم که کارکنان این نشریه بتوانند در شناختن دشمنان انقلاب ایران و در درسی آن امپریالیسم جنتا و خنوع آمریکا و عمال دا خلیش به زحمتکشان شهر روستای ساری هرچه موفق تر باشند.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالان و محتکران است

افزایش سریع قیمت ها نه فقط در شهرها، بلکه در دهات پیدامیکند

گرانی، کمردهقان را خم کرده است

مسائل دهقانی

امروزه برای جمهوری نوپای ایران و تحکیم آن، ترفاٹی ویاس مردم که بتوانند از عواملی مانند افزایش هزینه زندگی و نبودن مسکن و کاروبار کج اندیشیها و انحصار طلبیها ناشی شود بسیار زیان بار است زیرا انقلاب ایران به مردم ایران متکی است و ترفاٹیها ویاس مردم موجب تضعیف و تزلزل آنان میشود. اثرات خرابه پذیر می کند. بنابراین مسئله ترفاٹیها ویاس مردم و مربوط به سرنوشت انقلاب است. این یک واقعیت و واقعیت تلخ است که در حال حاضر مخارج زندگی روز بروز در حال افزایش است و گرانی پیدا میکند. اقتصاددانان میگویند که نرخ تورم ۵۰ درصد است مردم مستقیماً این را می بینند که گوشت کیلویی ۵۰ - ۶۰ تومان، هندوانه کیلویی ۶/۵ - ۷ تومان است. قیمت نان، چای، لباس، کفش و غیره بالا و بالاتر می رود. اما اگر بالا رفتن قیمت ترفاٹیها به حال شروتمندان و آریایان نمیگردد عرض این فقط زحمتکشان روستا و دیگر زحمتکشان هستند که کمربشان می شکند.

عده ای فکری میکنند دهقانان لاقبل سبزی و گوشت دارند اما اکثریت آنها اصلاً لب سبزی میوه نمی زنند و جواب بچه های خود را با سبزی می دهند. و اگر یکی از آنها یک بار در مگانه گوشت بخورد، استثنائی خواهد بود. دهقانان بی چیز در مقابل اهل و عیال جمل می شوند! ما هیچ زمیندار ریزگرگی از گرانی قیمت زمینمانند همه میدانند که یک دهقان متوسط بین ۷ - ۱۰ خروار غله معمول میتواند نداشت باشد و حدود ده هزار تومان درآمد خواهد داشت. در این شرایط گرانی بیش از حد تمام اجناس، چگونه میشود مخارج خوراک، لباس، تعمیر، دکترودارو را با این مبلغ کم تامین کرد. زندگی دهقانان بی زمین و کم زمین سنگینتر، فلاکتبار تر و پر مصیبت تر از زندگی دیگران است. درآمد ۱۲ ماهه آنها حتی برای سیر کردن شکم خود را نماند. در این حالت بیچارگان کفایت نمیکنند. آری از گوشت، برنج، روغن و میوه و غیره محبت نمیکنیم. علیرغم وضع بسیار دشوار زندگی، زحمتکشان روستائی در راه استقلال و آزادی مملکتشان فداکاری و از خودگذشتگی زیاد نشان میدهند. آنها از خود، آگاه سیاسی فراوان نشاندن میدهند و برای اینکه کشور را در مقابل آمریکا و تهدیداتش مقاوم کنند و آزادی را برای مردم ایران بدست آورند، در راه استقلال و آزادی مملکتشان فداکاری و از خودگذشتگی بسیار میکنند. این حرکت در راه آزادی و استقلال، حرکتی است که در تاریخ ایران بی نظیر است. این حرکت در راه آزادی و استقلال، حرکتی است که در تاریخ ایران بی نظیر است. این حرکت در راه آزادی و استقلال، حرکتی است که در تاریخ ایران بی نظیر است.

دشمنان انقلاب ایران از این خیال باطل که با زهم رژیم گذشته و با چیزی شبیه آنرا بر ایران انقلابی تحمیل کنند، یک لحظه هم غافل نیستند. دسیسه بازیها، تفرقه اندازی و آشوب طلبی برای ترفاٹی کردن مردم از موضع موجود و با یوس و بدبین کردن آنها را مدعا دارند. وظیفه انقلاب و وفاداران به آن است که در مقابل این دامها چشمهای با زنی داشته باشند. دشمنان میگویند علاوه بر ترفاٹی و ترفاٹیها ویاس مردم در زمینه اقتصاد به ما ضربه میزنند. امیرالیمیم جفا نخواستیم که امیرالیمیم آمریکا، مثل گریز زخمی خود را به اینجا و آنجا میزند، یک روز موجودی ارزهای ایران را در بانکهای خود بلوکه می کند، فدا بیشتن تحریم اقتصادی می نماید و دیگر روز بیشتر مانده تجار و اشکارات نظامی می کند. هر روز عمل جنایتکارانه را در ایران به حرکت و توطئه و میدارد، هر شب در راه دیوهای فد - انقلابی فرمان میدهد، انواع تهمت را وارد می کند و زنا بسا ما نینیا به نحوی ضد انقلابی سو استفاده می نماید. از یک سو، بسزرگ و لاکان گوش به فرمانش توطئه خرابکاری و آتش زدن خرمنها و به خشم در آوردن دهقانان را سازمان میدهد و از سوی دیگر ستون پنجم و منجمله واسطه های بزرگ و آنها که نشانی با زار را در اختیار دارند، اجناس موجود را احتکار می کنند و گرانی را افزایش میدهند تا همه مردم زحمتکش را عصبانی و تحریک کنند. در زمان رژیم منفرود گذشته، از صبح تا شام کار کردن دهقانان، غارت شدن آنها توسط آریایان، بیژمرد شدن زن و بچه هایشان از گرسنگی و فقر در جلوی چشمشان یک امر عادی بود زیرا که نیروی محرکه آن نظام، استعمارگرگی، ظلم، حق کشی، سوختن دهقانان در آتش بدبختی بود. در آن نظام فاسد و راکتگرمان حبان زمین و سرمان به های بزرگ، سلف خرابه و واسطه های کلان و ربا خواران، از دسترنج زحمتکشان روستائی و شهری سرفره های خود را رنگین می کردند.

مردم زحمتکش ایران به دنبال انقلاب بزرگ خود بخاطر تحکیم آن دیگر نمی توانند تحمل کنند که وضع فلاکتبار را کم در رژیم گذشته دوام پیدا کند. دیگر ایران انقلابی مانده است و نباید شکست با زهم زن و بچه های دهاتی با برهنه و عریان بمانند، ستم مالکی و ظلم زورگویان فاسد اما می پیدا کنند. و خلقی مبارز ایران با دادن ۶ - ۷ هزار شهید و با بیش از ۱۰۰ هزار زخمی با تحمل آن همه سختیها و با توسل به اشکال بسیار مختلف مبارزه خواست میروم و مسلم خود را بیسان کرده اند.

مردم زحمتکش و از آنجمله دهقانان ظلم دیده، با مشت های گره کرده خواستار برودند که ایرانی ما صاحب ایران شود مردم ما صاحب استقلال و آزادی و زندگی بهتر، خواستار این بودند که دهقانان ما صاحب زمین و رها از یوغ آریا بگردند.

علت مرگی!
تاروز هفتم سابقات المیک مسکو طبق آمار درمانگاه های مخصوص خبرنگاران المیک تعداد ۴۷۰ تن از خبرنگاران امیرالیستی بیمار شده اند و برای گرفتن دارو به مرکز پزشکی خبرنگاران مراجعه کرده اند! ظریفی گفت: با توجه به اینکه هوای لطیف کنونی و شرایط خوب زندگی و تغذیه و سکونت در مسکو جای هیچگونه بیماری باقی نمی گذارد علت مرگی خبرنگاران غربی حتماً پیدانکردن خبرهای داغ و هیجان انگیز از جنایات، روسی گریها، قتل و غارتها و گرسنگیها... در اتحاد شوروی است که آنها همه جا را برای یافتن اینگونه "خبرها" زیرا گذاشته اند ولی به جایی نرسیده اند!

غیر مستقیم
روزنامه دلی تلگراف چاپ لندن دیروز نوشت چند کشور عرب مخصوصاً کشورهای عربی خلیج فارس مقداری اسلحه و تجهیزات از انگلستان بریده اند و آنرا به مجاهدین افغانی تحویل داده اند (آزادگان ۶ مرداد).
- مبارزان "بهمدیگر: اینطوری "قطب زاده" ما بهتر می توانستند راجع به "استقلال" ما وسایست "نه شرقی...مان تبلیغ کنند!!"
هیچ چیز تغییر نکرده!

آزاده شفیق خواهرزاده شاه مخلوع که برای رکت در مراسم تدفین طاغوت زمان غامز قاهره ده بود در گفتگویی با خبرنگار ریکتر از ایران راسه فته به موجب نشانه های مردم ایران به رفا لیبعد و دارند... وی افزود برای مسا بیج چیز تغییر نکرده است و به موجب قانسون ساسی سرچا نشین پدر می شود...
(آزادگان ۸ مرداد)
مردم ایران: اگر اینطور است و حال که با رگ شاه خاکن "هیچ چیز تغییر نکرده است" پس ما من مجازاتهایی را که برای شاه مخلوع تعیین ده بود برای "جانشینش" معتبر می دانیم و عیناً بر او خواهیم کرد!
تیرتوب!
"جسد شاه مخلوع را شش ملوان از آزار به" رپ دار بد داخل مسجد حمل کردند در حالی که جسد داخل مقبره می گذاشتند بعنوان احترام (۱) بست و یک تیرتوب در قاهره شلیک شد... (اطلاعات ۸ مرداد)
یفنی میگفت: چند دلم میخواست تیرهای توب من بسوزی که خودم می خواهم شلیک میکردم!

ایجاد کرد. از یک سو با بد قیمت خرید کالاها ی کسنا ورزی به نحوی عادلانه تعیین شود و شصیت شده باشد و دولت خرید را تضمین کند و از سوی دیگر با استفاده از تشاوتیها اجناس مصرفی آنها به قیمت عادلانه و ثابت بکون واسطه به دست آنان برسد.

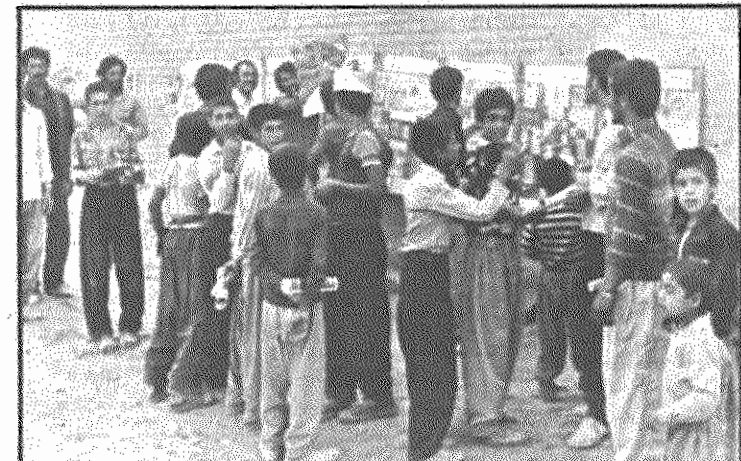
با بدبختی دهقانان و تفسام زحمتکشان ایران را به کلی خشکا ننوده دهقانان را از فقر و محرومیت نجات داد. با بدبختی دهقانان و تفسام زحمتکشان ایران را به کلی خشکا ننوده دهقانان را از فقر و محرومیت نجات داد. با بدبختی دهقانان و تفسام زحمتکشان ایران را به کلی خشکا ننوده دهقانان را از فقر و محرومیت نجات داد.

اینها نیز باید گفت که زحمتکشان در این خیال نیستند که "معجزه" بشود و تمام گرفتاریهای آنها یکشنبه از بین برود و بوقول معروف بایک چشم بهم زدن وضع کسنا ورزی رو برآه بشود. نه ابدا چنین نیست. گره اصلی چگونه بر خورد مسئولان امور نسبت به این مسائل حیاتی کسنا ورزی زحمتکشان است. مسئله این است که مسئولان چه برنامهای برای بهبود وضع دهقانان دارند و چرا می کنند؟

اما چینی گفته اند که "این کوخ نشینها هستند که انقلاب برنده کاخ نشینها" این زحمتکشان هستند که باید از زحمات انقلاب خدیده رهنه مند شوند. بنا بر این در مقابل دیو گرانی که رقم برای دهقانان و زحمتکشان نگذاشته است، نباید همسینوری دست روی دست گذاشت و فقط به تکرار این حرف اکتفا کرد که آری گرانی بی ادب می کند و نرخ تورم بالاست و به بخش چند پر ترا از خریداران میوه از تلویزیون دلخوش کرد.

مقامات مسئول و دست اندرکاران وظیفه دارند دست به عمل بزنند، کار میکنند، برنامه دقیق و مشخص تدوین کنند و آنرا اجرا کنند. جلوی این بلایه بزرگ را میتوان گرفت. خوشبختانه دست دولت در این مورد با زاست. اصل ۴۴ قانون اساسی با زرگانی خارجی را ملی اعلام کرده و به ربا خواران و محتکران وابسته به رژیم سرنگون شده و امیرالیمیم میدانان نداده است.

پس مقامات مسئول و وفادار به انقلاب شکوهمند ما با بیستی دروهمه اول با اجرای قانون ملی کردن با زرگانی خارجی و عملی کردن آن دست وابستگان به امیرالیمیم، واسطه های بزرگ و خدایان با زر را از زخمی از زندگی اقتصاد دی کشور کوتاه کنند، بدون اینکه هیچگونه تسلط و نظارتی از سوی دولت بر قیمت کالاها ی وارد شده مکان پذیر نمیگردد. همزمان با بدبختی رآ آ ماده کرده تا با تدا بربا فتمادی درست جلوی کمبود کالای مصرفی را با افزایش تولید آن گرفت. قدم اساسی دیگر این است که توزیع بخش عمده با زار را با اجرا و بدبختی فرو - تنگاهای تشاوتی از دست سلف خرا ن واسطه ها سودجویان و ربا خواران و دلالان گرفت. در صورت متمرکز شدن توزیع داخلی در دست دولت و تسلیت ووا حدهای تشاوتی میتوان به صورت مؤثر در راه مرجریان کالاهای مصرفی نظارت و قیمتتای آنها را کنترل کرد و یک عامل بسیار رجدی گرانی را که واسطه های کلان و نظام توزیع سرمایه داری است حذف کرد. بدون اقدام قاطع و فوری و انقلابی در این مورد، گرانی روز افزون همه زحمتکشان و منجمله زحمتکشان روستاها را از پا در میآورد تکرار می کنیم، این یک مسئله مهم مربوط به انقلاب است، با بد عمل کرد.



دهقانان از کوچک و بزرگ در روستای طولابی (بخش هرمس - اسلام آباد غرب) از زنا بنگاه دهقانی و ضد امیرالیستی که در روستای آنان تشکیل شده بود بگری استقبال نموده.

زمین متعلق به کسی است که روی آن کار میکند. پس از انقلاب شکوهمند مردم ایران، زندگی مالک بزرگ روستای طسوج کو در استان فارس به خارج فرار کرد. بر روی زمین های مالک بزرگ ۲۰ نفر کارگر کشاورز را کالاهای کرمی کردند. کار دارند. یکی از کارگران کشاورزی به عنوان نما بنده در شورای ده عضویت دارد. هشت هفت نفره اجرای اصلاحات ارضی نیز تشکیل شده است این کارگران کسنا ورزی از هشت هفت نفره تقسیم زمین، می خواهند که هر چه سریع تر نسبت به واگذاری زمین های مالک بزرگ به آنها اقدام کنند تا به دلگرمی به کسنا ورزی بپردازند و در جهت تولید هر چه بیشتر فعالیت و کوشش کنند. شوند.

به سازی و با سازی روستاهای کشاورزیه تمام نیروهای متعهد و علاقمند به انقلاب است. برای اختمنا جا مع عقب افتاده روستائی با یدهمه یا هم متحدان" گا م بردارند. هرگونه انحصار طلبی در این مورد در نهایت به نفع دهقانان زحمتکش و پیشرو انقلاب نیست.

الخيار دهقانی

انحصار طلبی و تفرقه اندازی در امر کمک به دهقانان جایز نیست
جنیدی قبل جفا نداشت زندگی شیراز طی اطلاعیه ای از دانشجویان و دانش آموزان را و طلب خواست جهت نامنویسی به دفتر جفا نداشت زندگی مراجعه کنند تا در زمینه کارهای عمرانی از کار و تخصص آنها استفاده شود.
۲۵ نفره زدا نشجویان رشته های مختلف دا شنگاه در تاریخ ۲۵ خرداد جهت ثبت نام بدفتر جفا نداشت مراجعه و نام دگی خود را برای شروع کار و فعالیت اعلام کردند.
مسئولین جفا نداشت نامنویسی دانشجویان خود را برای وظایف و کارهای دهقانی که در طلب کارهای عمرانی در جفا نداشت حتماً با بد معرفی - تا مه از زمان دانشجویان مسلمان نیز از دا شته باشند در غیر این صورت نامنویسی نمی -

... رهبری حزب توده ایران و افراد و هواداران با هیچ دسیسه و توطئه ای از راهی که با اعتقاد کامل در جهت پشتیبانی از انقلاب شکوهمند میهنمان در جهت مبارزه علیه دشمنان این انقلاب بسر کردگی امیرالیمیم آمریکا بر گزیده اند و زگردان نخواهند شد...
(بخشی از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت هجوم و اشغال دبیر خانه حزب)
۵۹/۴/۳۱

تافتح قله های سحر گاه...

این نغمه شکسته باران نیست
آوای دیر باز که می آید.
جوشنده و غورور،
بانگ خروش آور طوفان است.

خاکستر نهفته پایان نیست
اینگونه سر به خاک که می ساید.
در بطن هر شراره که ماند دست تابناک،
زاینده های آتش ایمان است.

صبح دروغ پرور دوران نیست
روشنگری هنوز که می باید.
این آشنا طلایه بیداری بگاه،
خورشید حزب توده ایران است...

ماره روان ولیک چه همراه...
در سختی فرازو نشیب گذارها
همواره می رویم
تا اوج بیکرانه پیروزی
تافتح قله های سحر گاه...

گاهی به سنگ گرومان پای
گاهی ز صخره اقتدما دست
گاهی درون پرده مه محصور
در جستجوی چشمه آبی... گاه...

بی خوف هرستیز
بی غم زهر شکست
ایمانان پناه...

با اتحاد خلق و دنبال رهبری
آری همیشه یکدل و همراه می رویم
آری همیشه یکدل و همراه...

سپید سامانی
۵۹/۵/۱

در جهان سوسیالیسم

بیمه اجتماعی در جمهوری دمکراتیک آلمان
بیمه اجتماعی، که بست سندیهای کارگری اداره میشود، یکی از بزرگترین دستاوردهای اجتماعی طبقه کارگر جمهوری دمکراتیک آلمان بشمار میرود. بیمه اجتماعی در حدود ۸۵ درصد شهروندان آن کشور را در بر میگیرد.
جدول زیر اطلاعات بیشتری در این باره بست میدهد:
درآمدهای هزینه های سهم درآمدها کمک دولت سال بیمه اجتماعی بیمه اجتماعی در هزینه ها (میلیون مارک) (میلیون مارک) (درصد) (میلیون مارک)
۱۳۳۰ ۴۵۵۶ ۴۴۹۴ ۱۰۱/۲ -
۱۳۳۹ ۶۷۳۷ ۸۰۳۴ ۸۳/۹ ۱۲۹۵
۱۳۴۹ ۷۹۵۰ ۱۲۱۸۷ ۶۵/۲ ۴۲۳۷
۱۳۵۷ ۱۲۴۹۸ ۲۲۳۵۲ ۵۵/۹ ۹۸۵۴
بولی که بیمه اجتماعی، در ازای هر روز بیماری بطور میانگین به کارگران و کارمندان می پردازد، در سال ۱۳۳۹، ۶/۴۹ مارک بود، که در سالهای ۱۳۴۹ و ۱۳۵۷ بر ترتیب به ۱۰/۴ و ۲۲/۵۵ مارک افزایش یافت. بدین ترتیب، افزایش "پول بیماری" سریع تر از افزایش درآمد میانگین زحمتکشان بوده است.

در جهان سرمایه داری

بکنته وزیر امور اقتصادی بلژیک، شماره بیکاران در آن کشور در سال ۱۳۶۴ به ۶۰۰ هزار، یعنی ۱۴ درصد کل نیروی کار، خواهد رسید، که دو برابر رقم کنونی است. وی در مصاحبه ای مطبوعاتی افزود، که حتی چنانچه فرآورده ناپویزده ملی سالانه ۲-۱/۵ درصد افزایش یابد و بتوان نرخ سالانه تورم را بین ۶ تا ۶/۵ درصد نگه داشت، کسر بودجه بلژیک در سال ۱۳۶۴، متجاوز از ۷۳۰ میلیارد فرانک بلژیک (در حدود ۱۸۲۵۰ میلیارد ریال) خواهد بود. یادآور می شویم، که کسر بودجه بلژیک در حال حاضر ۳۳۲ میلیارد فرانک (در حدود ۵۸۰۰ میلیارد ریال) است.

دهقانان کم زمین و بی زمین! باتشکیل کمیته های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد سوسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرپا بوسد شما اجرا شود

برخی مسائل حاد روز

**امپریالیسم علیه هر جنبش انقلابی که
ضد امپریالیستی باشد، توطئه را
ادامه خواهد داد.**

**کسانی که درباره «امکان شکست» انقلاب ایران
صحبت می کنند، روحیه ترس و وحشت
از خود نشان می دهند.**

شرح زیر بخشی است از بررسی و پاسخ جلسه پنجشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۵۹ که در آن رقیب نورالدین کیانوری در برابر کسبه مکرری حزب توده ایران به سئوال مربوط به مسائل بسیار حاد مرحله کنونی انقلاب ایران پاسخ می دهد.

مفقت اهمیت خاصی است که در این پاسخ ها وجود دارد. این سخن علاوه بر جواب آن در حوضه پرسش و پاسخ شماره ۱۶، در اسماخراطور حدنگاه درج می شود.

س: تراخوان امروز حزب توده ایران چه ابعادی دارد؟

ج: دستور حزب این بوده است که ما به طور مثبت در مبارزه علیه ضدانقلاب شرکت کنیم. من می گویم درباره تمام جریان این کودتای نافرجام و اینکه در آینده چه دورنمایی در این زمینه هست و نیروهای انقلابی در برابر آن چه وظایفی دارند، تحلیلی بدهم. اما قبلا می خواهم به مجموع چند سؤال که اینجا مطرح شده و بخش از طرف یکی از هواداران "راه کارگر" است، یکجا جواب کوتاهی بدهم.

رادیوی معلوم الحالی که خود را "صدای ایران" می نامد ۵۸/۴/۲۳، پس از شکست کودتا، اعلام می کند که شاپور بختیار، در مصاحبه ای با خانم فلان - خبرنگار یک مجله فرانسوی، به نام ابلوآتوریا زیزل، ابلوآتوریا یک همجی زهرماری، گفته است که میان "تمام" ایرانیان برضد عماله به سرها "اتحاد" وجود دارد. این رادیو ضمن بررسی وضع جناح های مختلف به نقل از شاپور بختیار و دفتر سیاسی او اعلام می کند که بختیار آژانگی خود را برای همکاری با تمام نیروهای ملی اعلام کرده است. حالا نگاه کنید که در این "نیروهای ملی" کی عضو هستند؟ دو گروه از این نیروهای ملی را که آقای بختیار حاضر هستند با آنها همکاری بکنند یعنی "کار" و "راه کارگر" را که کنار بگذاریم، این آقا همه آنها را دیگر را به حساب نیروهای ملی که آماده همکاری با آنها هستند، می گذارند، تمام نیروهای ملی را سوی اصطلاح "دارودسته" خمینی و اجزای مانند حزب توده، خوب، حالا اگر این دوست هوادار "راه کارگر" هنوز نمی داند که سازمانش در کجا قرار گرفته و سیاست سازمانش سیاسی است که بختیار فقط کوچکترین ترسی از آن ندارد، بلکه آماده همکاری با آن هم هست و از طرف دیگر سیاسی که امپریالیسم آمریکا، بختیارها و اوپسی ها آنرا به عنوان دشمن اساسی خود تلقی می کنند، همان سیاست "اوپورتونیستی" حزب توده ایران است. پس این شنیدن این مطلب، باید به خورد به فکر فرو رود. همین موضوع به تنهایی کافی است برای اینکه این مارکسیستهای "انقلابی" طرازانوفی کونین "راکی به فکر واردند. محتوای تبلیغات رادیوی "صدای ایران"، تبلیغات رادیوی صدای آمریکا، تبلیغات تمام محافل ضدانقلاب، باید شما جوان عزیز، شمارا هم کمی به فکر وادارد.

نقشه دقیق ضدانقلاب در همین کودتا عبارت بود از نابود کردن سریع و بدون محاکمه رهبران مبارز مذهبی، روحانیت مبارز و... رهبران حزب توده ایران. در این موضوع تردیدی نیست. ضمناً ضدانقلاب امیدوارست که با گروه های معینی کناریباید تا این گروهها با آن مواشات کنند. چگونگی برخورد به این جریان نشان دهنده سیاستهای واقعی نیروهایی است که در ایران هستند.

اما جریان خود کودتا: دوستان ماکه نامه "مردم" را با تمام همدارباش هایش مطالعه کرده اند، می دانند که ما از پیش از حادثه کودتای طیس با پیگیری خیلی، خیلی جدی، مسئله تدارک یک سری ضربه ارتجاعی از طرف امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب را که در خارج ایران و در داخل ایران انجام می گیرد، پشت سر هم تذکر داده ایم. ولی باکمال تأسف، در دوران اولیه، مقاماتی در رهبری جمهوری تذکرات ما را خیلی جدی نمی گرفتند. حتی در روزنامه هایی مثل روزنامه "جمهوری اسلامی"، مثل روزنامه "انقلاب اسلامی" به ما خبره گرفتند که گویا ما اینجا داریم یک جو ناراحتی ایجاد می کنیم و این خطرناک وجود ندارد! وقتی ما خطر اقداماتی را که ضدانقلاب قصد داشت در خوزستان و کردستان انجام دهد (همان اقداماتی که ذوقه بعد با بمب گذارنها در آنجا شروع شد)، تذکر دادیم، به ما تهمت زدند که گویا ما داریم تحریک می کنیم!

اما صحت ارزیابی های ما درباره اوضاع ثابت شد. من به دوستانی که نسبت به مسائل سیاسی روز و موضع گیری حزب توده ایران درباره آینده، علاقمند هستند، پیشنهاد می کنم که یکی از شماره های آینده، پرسش و پاسخ را که مربوط است به جلسه روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۹ حتما بخوانند. آنجا ما درباره توطئه هایی که در پیش است، صحبت کرده ایم. در آن بحث که توارش موجود است و کسی نمی تواند زیرش بزند، تا لوی دقیقی از آنچه که الان انجام گرفته، داده شده است. رقت باخواندن آن در ارتباط با وقایعی که بعد اتفاق افتاده است، خواهند دید که همدارهای ما چه اندازه بجا و دقیق بوده است!

به این ترتیب ما از تدارک کودتا در سطوح مختلف آن، در خارج و داخل ایران، اطلاعات دقیقی داشتیم و اینها را به موقع در اختیار مقامات گذاشتیم. در دوران اخیر نیز فاکت های دقیق دیگری پیدا شد و اطلاعات دیگری هم به مقامات رسید که تأیید کننده تمام اطلاعاتی است که از طرف حزب ما داده شده است. در نتیجه این همکاری توانستند توطئه را در این مرحله سرکوب کنند و در هم بشکنند. این یک

موفقیت بزرگ و تاریخی برای انقلاب ایران است. موفقیت بسیار مهمی است. از این جهت مهم است که اولاً شکست این توطئه خطر بزرگی را دربرک لحظه بسیار خطرناک از انقلاب ایران دور کرد.

نکته دوم که به نظر ما اهمیتش از اولی بیستراست، درسی های بسیار آموزنده ای است که از این توطئه درمورد چگونگی ارزیابی های قبلی نیروهای مختلف انقلابی در ایران درباره دوستان و دشمنان انقلاب بدست آمده است. این حوادث درباره چگونگی ارزیابی دوستان واقعی انقلاب ایران در داخل کشور و در صحنه جهانی درسی های آموزنده ای داده است. امیدواریم که این درسها کنکی باشد برای روشن شدن ذهن بسیاری از مسئولین و کسانی که پیشداوری های بکلی نادرست دارند و کارشان واقعا دیگر به لجبازی کشیده است. امیدواریم این درسها به آنها هم کمی شلاق بزند و نشان دهد که تاکنون دچار چه اشتباه بزرگی بوده اند. در مقاله شماره جاری مجله "دنیا" (شماره ۴ سال ۱۳۵۹) بویژه در همین رابطه تحلیل هایی انجام گرفته است. البته این مقاله قبل از این کودتا نوشته شده، ولی در ارتباط با مجموعه مسائل سیاسی کنونی ایران، کوشش شده است ارزیابی های نادرستی که بر اساس این پیشداوری ها یا شناخت نادرست، در میان برخی از نیروهای انقلابی ایران وجود دارد، تشریح شود و بیامدهای دردناک و خطرناک آن گوشزد گردد. این حادثه کودتا صحت بسیاری از تکیه را که ما یادآوری کرده ایم، تأیید کرده است. کودتا قرار بود در این مراحل انجام گیرد: اول کودتای طیس، در کودتای طیس قرار بود نیروهای آمریکایی پس از پیاده شدن در طیس، بمنزله تهران منتقل شوند و خود را به لانه جاسوسی برسانند. ما الان می بینیم که شبکه ضدانقلاب چه اندازه وسیع است. در مرحله دوم قرار بود کلیه ساواکیها و افسران بازنشسته و افسرانی که در واحدهای ارتش و ژاندارمری و پلیس هستند، وارد عمل بشوند و گروههایی از آنها بانقشه معین به مناطق معینی حمله بکنند. اولین هدف آنها عبارت بود از منزل امام برای از بین بردن خود امام و نزدیکانش و سپس کشتار رهبران مذهبی، روحانیت مبارز و رهبران حزب توده ایران که سائل همشان را شناسایی کرده بودند، این مدارک چون در همان تاریخ تنظیم و تسلیم شده است، حالا دیگر نمی توانند به ما بگویند که شما امروز پس از وقوع واقعه اینطور می گوید. بعد قرار بود که این گروهها و گروههای دیگر به موازات گسترش حملات نظامی خود، به سراغ تمام پاسداران و کمیته ها بروند و آنها را با گازهای شیمیایی خواب و فلج بکنند و پس از موفقیت در این عملیات، گروههای معینی از آنها به رادیو-تلویزیون حمله کنند و آنجا را در اختیار بگیرند و حکومت کوردانی اعلام کنند. نقشه این عملیات برای تهران و برای شهرهای مهم کشور کشیده شده بود و قرار بود برای شب پس از آنکه تمام پاسداران و دانشجویان مسلمان بیروخط امام مستقر در لانه جاسوسی را با گاز شیمیایی خواب کنند و گروگانها را آزاد کنند، عملیات خود را بطور دامن دار گسترش دهند. این بود نقشه کودتای طیس، این نقشه البته به هم خورد، ولی فقط یک قسمتش که تجاوز نظامی آمریکا در طیس بود، با عدم موفقیت روبرو شد. آنها ضمناً می خواستند یک "دستبرد تاریخی" هم زده باشند و گروگانها را هم در جریان کودتا آزاد کنند. ولی مسئله گروگانها بهیچ وجه مسئله اصلی نبود. آنها این احتمال را می دادند که در این جریان نه فقط گروگانها، بلکه تمام افراد نظامی که پیاده کرده بودند، از بین بروند. مسئله اساسی برای آنها همان نقشه کودتا برای برانداختن رژیم بود. ما فردای همان روز، ضمن اعلامیه ای که در نامه "مردم" انتشار یافت صریحاً نوشتیم که هدف جریان طیس بهیچ وجه زدن یک ضربه برای آزاد کردن گروگانها نبود، بلکه کودتا بود. همانطور که الان به شما گفتیم ما از این نقشه، پیش از وقوع حادثه اطلاع داشتیم و آنرا به اطلاع رساندیم و چون می خواستیم افرادی که در این توطئه شرکت دارند گرفتار شوند، از انتشار پیش از موقع آن خودداری کردیم. متأسفانه در نتیجه اشتباهی که رخ داده و بی احتیاطی هایی که شده، بخش مهمی از عناصری که در این توطئه شرکت داشتند، توانستند فرار بکنند. جای خیلی تأسف است که در آن مرحله ضربه لازم به ضدانقلاب وارد نیامد و امکان داده شد که ضدانقلاب خودش را برای ضربه دوم آماده کند.

مرحله اول نقشه این ضربه دوم عبارت بود از یک حمله به فرودگاه تهران. قرار بود اول به فرودگاه حمله کنند و همزمان با آن یک گروه ۲۰۰ نفری به سراغ رادیو بروند. فرودگاه را می خواستند با افرادی که در آنجا داشتند بگیرند و سپس طیاره ها بلند شوند و همین نقشه بمباران منزل امام خمینی را عملی کنند و مراکز حساس دیگری را که فکرمی کردند مقاومت بکنند از بین ببرند. به موازات این عملیات می بایست تمام نیروهای مسلح سازمان یافته ضدانقلابی یعنی ساواکیها و افسران و غیره در تهران شروع کنند به نابودی کمیته های پاسداران و مراکز پاسداران، با استفاده از انواع سلاحها و وسایل نظامی فوق العاده مدرن نوع آمریکایی که حتی بعضی ها در ارتش ایران هم، شاید نباشد، یا باشد، ما اطلاع نداشتیم و ولی به احتمال قوی نباید باشد، از جمله نوزادکن های معینی که

افراد را شب کور و بکلی فلج می کند و گازهایی که خواب آور هست یعنی نیروهای مخالف را برای ۲۴ ساعت بکلی فلج می کند. با استفاده از این سلاحهای خواستند نقشه کودتا را پیاده کنند. البته همانطور که در گفته های آقای ری شهری ذکر شده است، برنامه آنها این بود که با نابودی میلیونها نفر کودتا را بپرواز کنند. میلیونها نفر از مردم ایران را نابود کنند! این اغراق نیست فقط! این نقشه واقعی ضدانقلاب در ایران بوده است، یعنی آنها حاضر بودند نه اینکه یک میلیون، بلکه میلیونها نفر را، اگر مقاومت شود، از بین ببرند تا کودتا بپرواز شود.

این است چهره واقعی امپریالیسم آمریکا که برخی از رهبران سازشکار و تسلیم طلب، یک سال و نیم تمام کوشش کرده اند آنرا بیوشانند. امیدواریم جزئیات این کودتا و نتایجی را که از تحقیقات و از گفته ها بدست خواهد آمد، بطور کامل منتشر بکنند تا مردم ایران این چهره واقعی ضدانقلاب را ببینند و از تلاشهایی که برای تکرار ماجرای اندونزی و شیلی در ایران انجام گرفته و از خوابی که برای ایران و جهان افغانستان دیده، آگاه شوند و با چشم و گوش و پوست خود احساس کنند که هنوز چه خطرانی آنها را تهدید می کند. این اهمیت فوق العاده زیاد دارد و ما خواستاریم و با پیگیری اصرار خواهیم کرد که نتیجه تمام تحقیقاتی که از این جنایتکاران انجام می گیرد در دسترس افکار عمومی مردم ایران و جهان قرار داده شود. چه تبلیغاتی بهتر از این برای افشا کردن چهره کریم امپریالیسم آمریکا و هوادارانش: چه آن قیافه های متمدن انگلیسی و فرانسوی و آلمان غربی که در این توطئه شریکند و چه آن دوستان آقای قطب زاده در پاکستان و ترکیه که شریک این توطئه بودند و قصد داشتند آنجا با طیاره های خود نیروهای ارتجاعی و ضدانقلابی را وارد ایران کنند. همه اینها را باید به اطلاع مردم ایران و جهان برسانند. نتیجه این محاکمات می تواند یک دادگاه تاریخی علیه امپریالیسم آمریکا باشد، زیرا متأسفانه در شیلی و در اندونزی ارتجاع موفق شد خودش را تثبیت کند و نگذاشت و اقلیت آن جنایتکار آشکار که لازم هست در خارج انگلیس بیدار کند، ولی حالا یک موقعیت تاریخی برای تمام جنبش آزادی بخش ضد امپریالیستی جهان بیدار شده تا چهره واقعی امپریالیسم و نقشه شیطانی که برای نابود کردن یک ملت و تحکیم مواضع غارتگرانه خودش، کشیده است، به تمام جهان نشان داده شود. امیدواریم که نشان دادن این جریان مثل آن جریانی نشود که با دعوت از سازمانهای مترقی جهان برای افشای چهره امپریالیسم آمریکا انجام گرفت و عوامل آمریکا نظیر امپریالیسم ها و انواع سازشکاران کوشیدند تا این امر را که کینه و آقای قطب زاده هم بازی پاکستان را راه انداخت یعنی در همان روزها آقاهاش را آورد اینجا و جلسه کردند. امیدواریم این بار دیگر تکرار این جریان اجازه داده نشود و واقعیت این توطئه همانطور که هست به اطلاع افکار عمومی ایران و جهان رسانده شود.

حال این سؤال مطرح می شود که آیا توطئه تمام شده است؟ به نظر من، همداری که امروز شاهد این نامه "مردم" خواندید، فقط یک بانگ تبلیغاتی نیست، این همداری است برای اینکه مردم را واقعا آماده بکنند برای یک مقابله باخطر احتمالی. به نظر ما خطر به طور جدی وجود دارد. در خبرهایی که امروز رسیده، از قول بختیار گفته شده است که "انقلاب" (منظور کودتاست!) متأسفانه با شکست روبرو شد. رادیوی صدای آمریکا صبح امروز ۲۶ تیر اعلام کرد که شاپور بختیار نخست وزیر سابق ایران اظهار امیدواری کرده است که "قیام" آینده ایرانیان به صورتی گسترده تر و منظم تر با شدت بیشتر صورت گیرد. خوب این نشان دهنده دو چیز است:

یکی این که امپریالیسم آمریکا و تمام دستگاه تبلیغات امپریالیسم در غرب خیلی کوشش می کند حادثه ای را که روی داده کوچک جلوه دهند. آنها در داخل به شبکه ضدانقلاب در تهران دستور داده اند شایع کنند که اصلاً کودتایی در میان نبوده است، همه اینها اصلاً دروغ بوده و این فقط شوگرد و ترفندی است برای اینکه عده ای را که ناراحت بودند، توقیف بکنند. همه را در دستبختیار این جور تبلیغ میکنند. حتی در تاکسی ها، طاغوتی ها و ساواکی ها، به طور منظم این جور تبلیغ می کنند. ولی خوب، گفت هرکس شناند، صاحب کار یعنی خود امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب می داند که چه ضربه ای بهش وارد آمده و چه نیروی ضربتی بزرگی از دستش در رفته. و ما امیدواریم که با محاکمه سریعی که امروز شروع شده، و با مجازات سریع ضدانقلابی ها، اشتباهی که دکتر مصدق در بیست و پنج مرداد مرتکب شد یعنی، نعل کرد، امروز وفردا کرد، این ساعت و آن ساعت کرد و گفت حالا کارشان نداشته باشید و محاکمه و مجازات را همی به عقب انداخت (و شاید اصلاً هم خیال نداشت آنها را مجازات و محاکمه کند، همانطور که جنایتکاران نیم اسفند و حتی قاتلین افشارطوس را هیچ گونه تصمیم قاطعی درباره شان نگرفت)، امیدواریم این اشتباه تکرار نشود، و دغان طوره امام تأکید کرده اند جریان محاکمه و مجازات این خیانت کاران، با سرعت و قاطعیت هر چه بیشتری انجام بگیرد. اینست آنچه که ما درباره آینده انقلاب آینده این کودتا می توانیم اظهار کنیم. یعنی توطئه ادامه دارد، امپریالیسم آمریکا از ایران دست بردار نیست. این توطئه

**انقلاب ایران هنوز امکان دارد
فراوان دارد و هنوز بالقوه
فوق العاده نیر و مند است.**

می تواند، اگر خواصان ببرد برای پیشگیری آن باشیم، مثل فاصله ۲۵-۲۸ مرداد، در یک فاصله کوتاه بایک ضربه جدید دنبال شود، و می تواند در طولانی تر هم تکرار شود: چند ماه دیگر، یک ماه، سه ماه، شش ماه دیگر یا همانطور که امام گفته، ممکن است پنجاه سال دیگر هم امپریالیسم دورتر به این توطئه را بدهد.

امپریالیسم علیه هر جنبش انقلابی که ضامبر، باشد، توطئه را ادامه خواهد داد. ما می بینیم که امپریالیسم آمریکا در تمام جبهه جهانی، مشغول تجاوز است. به ویتنام غیر مستقیم و مستقیم حمله می کند کامیون از طریق نوکران خود در تایلند حمله می کند هندوستان (در ایالت آسام) چینی ها- متحد امپریا آمریکا حمله و تحریک می کنند، در افغانستان از طریق از اسلام نمایان، تحریک می کنند، کشتار می کنند و می کنند. در ایران علیه انقلاب توطئه و تحریک می کند. آفریقا علیه اتیوپی تحریک می کنند، علیه آنگولا می کنند و اخیراً در آنجا هم به تجاوز دست زده اند. موازیمیک به تجاوز دست زده اند. علیه زامبیا حمله می کنند. در آمریکای جنوبی علیه کوبا برای تجاوز می بینند، در کشورهای آمریکای جنوبی، هر جا که کپی برقرار شود، برای از بین بردن آن تحریکات و توطئه می گیرند. آمریکا در تمام جبهه مشغول تجاوز است بر ضعف خودش را می بیند، برای اینکه می بیند، روز بایگه هایش دارد از دستش می رود، روز بروز محیط ما محیط تأثیر سیاسی و نظامی محدودتر و تنگتر خلخا می دربی از زیر چک امپریالیسم آمریکا بیرون و این امپریالیسم دیوانه تر می شود و بیشتر دست می زند. دشمنی امپریالیسم آمریکا با انقلاب ایران، که ما بارها گفته ایم، به ویژه بسیار شدید است. بر موفقیت انقلاب ایران تنها، این نبوده که یکی از اساسی امپریالیسم جهانی را در کشوری مثل ایران عظیم نفت از بین ببرد، برای این نبوده که یکی از مهم استراتژیک نمایشش را علیه اتحاد شوروی و نما سوسیالیسم منحل کرده است، بلکه این انقلاب سر راب لزه درآورده و در جموعه جنبش جهانی امپریالیستی تأثیر عمیق بخشیده است. اینست که امپریا با انقلاب ایران نیز مانند انقلاب ویتنام - کین نوزی عجیبی دارد و به این جهت هرگز حاضر به داوطلبانه نخواهد بود. امپریالیسم آمریکا تمام نیرو خودش را به کار انداخته برای اینکه انقلاب ایران را روبرو کند. خوب در اینجا ما می بینیم که امپریالیسم نیروهای ذخیره قابل توجهی هم در داخل ایران د نیروی ذخیره تنها افسرانی هستند که می خواست کنند، تنها ساواکی ها نیستند که برای حمله بعد ضربه اولیه آماده بودند و هنوز قلع وقع نشده ذخیره در عین حال آن نیروهایی هستند که در دست کار را فلج می کنند، این ذخیره عوامل امپریالیسم است که هم هستند که برای حفظ سرمایه داری، می کوشند تیزی انقلاب را کند کنند و نگذارند گسترش یابد، این ذخیره - سازشکاران و تسلیم هستند که تمام امید و آرزو شان را بسته اند به اینکه آنها تک کند، غریب زده هم هستند که حالا همکاری با آمریکا غیر ممکن شده، می کوشند از غربی، از راه شرکت های فرانسوی و انگلیسی و مناسبات دوباره با آمریکا را برقرار کنند. همه جبهه ضد امپریالیستی، ضد امپریالیسم را در ایران می کنند، ذخیره امپریالیسم و ارتجاع ایران اینها گذشته عناصر نادانی وجود دارند که چه چپنا و چه باقی فاه راست افراطی، خطر عظیم را درک نمی کنند و هنوز تصویری کنند (مثل روز اقلیت و گروه بیگار و رزمندگان و بزمندگان) که ساده است و گویا ارتجاع در ایران مسلط شده و چند آمده اند و اینها را گرفته اند و مبارزه اصلی این انقلاب سرخ را برقرار کنیم، این کوتاه نظران به که انقلاب ایران را در مرحله کنونی تهدید می نمی برند. ولی حزب ما سیاست خودش را با درک خطر تنظیم کرده و تنظیم می کند. هم هشدار

فراخوان امروز عبارت است از ارزیابی دقیق علمی خطری که الان در مقابل ما قرار دارد و وظایفی که وجود دارد. وظیفه ما الان این است که از یک نیرو کوشش کنیم چگونگی واقعیت این توطئه را در به بیان مردم ببریم و با اوضاعی که در تشریح توطئه در تبلیغات دولت و مقامات حاکمه هست (که قه عوامل و ذخیره ضدانقلاب و امپریالیسم در این می تواند تأثیر داشته باشد)، ما جریان آنرا بات برای مردم تشریح کنیم و همجا، نشان بدهیم که چه هدفی داشته، برای چه بوده، یک ماه توطئه چه جریاناتی در ایران می گذشته است و چه سیاسی این توطئه در داخل ایجاد کرده اند. و همه دارند ایجاد می کنند.

س: به نظر شما کشتن دکه دارها وسیله گرو، چهارشنبه یعنی درست یک روز پیش از تصد به کودتا انجام گرفت، آیا جری از این توط

ج: به نظر ما بسیاری از حوادثی که در یک بگویم حتی قبل از طیس در ایران اتفاق افتاده با دور بین این توطئه مورد بررسی قرار بگیرد یعنی روی دوربین های خودمان به قول معروف فیلم

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی

«کنشت» با اعلام بیت المقدس به عنوان «پایتخت اسرائیل» گامی دیگر در راه تجاوز به حقوق خلق فلسطین بر میدارد

سازمان ملل متحد، حکمرانان صهیونیست اسرائیل قانونی را به تصویب پارلمان آن کشور رسانده‌اند، که به موجب آن، بیت المقدس (اورشلیم) بعنوان «پایتخت جاودانی» و تقسیم ناپذیر اسرائیل اعلام خواهد شد.

در اورشلیم (به عربی - القدس، به عبری - یروشالیم) بسیاری از اماکن مقدس و تاریخی اسلام، یهودیت و مسیحیت متمرکز یافته‌است.

منشأ دعاوی صهیونیست‌ها نسبت به اورشلیم آن است که حضرت داوود در حدود هزار سال پیش از میلاد مسیح، این دیار را تسخیر کرد و آن را پایتخت امپراتوری خویش ساخت. آنها در این زمینه همچنین به بازمانده‌های «دیوار نندیه» اشاره می‌کنند، که گویا حضرت سلیمان در حدود ۹۵۰ سال قبل از میلاد مسیح، در اورشلیم بساخت. اما واقعیت آن است که، اسلام اعراب امروزی، حتی پیش از تسخیر اورشلیم از سوی حضرت داوود و پس از فروپاشی سرزمین کهن اسرائیل، در آن دیار سکونت داشتند. فزون بر این، اعراب پس از ویرانگری رومی‌ها در سال ۷۰ قبل از میلاد، به آباد سازی اورشلیم پرداختند و از آن پس در آنجا سکونت کردند.

قطعه‌نامه (۱۳۲۶) توصیه کرد که، فلسطین به دو بخش یهودی و عربی تقسیم گردد و اورشلیم موقع بین‌المللی باید. ولی ارتش اسرائیل، در جنگ ۲۸-۱۳۲۷ فلسطین، قسمتهای غربی و جنوبی شهر را بر اشغال خود درآورد. بخش‌های خاوری و شمالی در تاریخ ۴ فروردین ۱۳۲۹ به متصرفان اردن درآمد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه (۴) ۳۰۲ خود (۱۸ آذر ۱۳۲۸) تأکید کرد، که «شهر اورشلیم باید بعنوان بخشی مستقل زیر نظرارت رژیم بین‌المللی خاص قرار گیرد و از سوی سازمان ملل اداره شود». اسرائیلی‌ها در واکنش سریع و آشکار علیه این قطعنامه، در روز ۲۶ آذر ۱۳۲۸ مقرنکشت دولت ربه اورشلیم انتقال دادند و بخشی از این شهر را برای نخستین بار بعنوان پایتخت اسرائیل اعلام کردند.

ارتش اسرائیل در جریان جنگ تجاوزکارانه خود علیه اعراب، که در روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۶ آغاز شد، علاوه بر کرانه باختری رود اردن، بخش خاوری اورشلیم را نیز به تصرف خود درآورد. پارلمان اسرائیل در روز ۶ خرداد ماه سال جاری قانونی تصویب کرد، که بموجب آن، بخش خاوری اورشلیم جزو «حاکم اسرائیل در آمد».

«قانونی» که روز چهارشنبه گذشته به تصویب پارلمان اسرائیل رسید، تمام اورشلیم را بعنوان «پایتخت جاودانی و تقسیم‌ناپذیر» اسرائیل اعلام کرد.

هنوز چند ساعتی از قطعنامه «اجلاس» ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد نگذشته، پارلمان اسرائیل (کنشت)، قانونی را تصویب کرد، که به موجب آن تمام بیت المقدس (اورشلیم) بعنوان «پایتخت جاودانی و تقسیم ناپذیر» آن کشور اعلام می‌گردد.

این اقدام دولت صهیونیستی رانتیابه‌منابه دهن کجی گساخته به افکار عمومی جهان و گامی دیگر در راه نفی فاحش همه قطعنامه‌های سازمان ملل متحد ارزیابی می‌توان کرد. یادآور می‌شویم، که آخرین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره فلسطین، که با رای موافق حدود دوازده کشور جهان، از جمله کشورهای سوسیالیستی و غیرمخالف آمریکا، اسرائیل و پنج کشور دیگر رای موافق کشورهای امپریالیستی اروپای غربی عضو «جامعه» اروپا، به تصویب رسید، اسرائیل و متحدان آنرا فریاد می‌زدند، حقوق خلق فلسطینی‌ها، از جمله حق بازگشت به سرزمین‌های اشغالی، تعیین سرنوسخت خویش و تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی را به رسمیت بشناسند. اکثریت نام اعضای سازمان ملل متحد خواستار شد که اسرائیل حداکثر تا ۲۴ آبان سال ۱۳۵۹، فرافروانی نیروهای خود را از سرزمین‌های اشغالی عرب آغاز کند.

شکی نیست که پشتیبانی امپریالیسم آمریکا و متحدان آن و نقش عناصر خیانت‌کاری چون سادات و شرکا، در تشویق دولت صهیونیستی بکین به آخرین تجاوز آشکار به حقوق فلسطین و نادیده انگاری و تاحق‌آمیز افکار عمومی جهان، اهمیت بسزایی کرده‌است.

جلسه فوق العاده شورای امنیت، که قرار است روز دوشنبه ۱۲ مرداد بدرخواست گروهی از کشورهای اسلامی در نیویورک برگزار شود و به بررسی «قانون» انضمام تمام بیت المقدس به اسرائیل و اعلام آن بعنوان پایتخت دولت صهیونیستی بپردازد، بار دیگر نایب خواهد کرد که صهیونیست‌های اسرائیل و پشتیبانان امپریالیستی آنها، بویژه دولت کاتر، ناچه اندازه به خاطر سیاست تجاوز-کارانه خویش نزد جهانیان منفرد شده‌اند. فلسطینی‌ها بار دیگر خواهند دید که دوستان و دشمنان آنها در صحنه سیاست بین‌المللی کی‌اند؟

انتظامی‌رود که سازمان ملل متحد، این بار نیز «قانون» منی براعلام بیت المقدس (اورشلیم) را به عنوان «پایتخت» اسرائیل، مانده‌اند، تصمیمات بکجانبه خود و سران دولت اسرائیل ناگنون، «عقیرا قوتی» اعلام دارد و آنرا بعنوان ناجوژی دیگر بخلق فلسطین محکوم سازد.

علیرغم اعتراض گسترده «جاسان و شورای امنیت

طی دو هفته اخیر حملات ناگهانی به دفاتر احزاب و جمعیت‌های سیاسی و روزنامه‌ها و اشغال این مراکز، سیمای ناخوشایندی از روابط درونی جامعه ما در معرض دید جهانیان گذاشت و مائین‌های تبلیغاتی امپریالیسم جهانی برای تداوم سیمای‌های خود علیه انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهایش به خراگ برآمده‌ای دست یافتند. اگر بخوایم این هجوم سازمان‌ها و گروه‌ها را به بررسی کنیم، باید بگویم که این اقدامات، چرا که مردم مسلمان و مبارز ایران را با آن شکوه و نظم افسانه‌ای که در فرو پاشیدن نظام مغرور شاهنشاهی از خود نشان داد - صورتی و منطقی‌تر از این میبایست که تابع احساسات خود گردد و شمله‌های خشم‌آلود تبلیغات دشمن را داغ کند نه آنکه، باری از روی دوش انقلاب بردارد و انگیزی این ملت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را منیت داده‌است و به محتوای آن عمیقاً معتقد و وفادار است چرا که قانون اساسی با تصویب مجلس خبرگان و مهر تأیید امام است اعتبار یافته‌است و به هیچ دلیلی نمی‌توان این اعتبار را شکست.

اصل بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحت دارد تقنین عقاید متنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواضع قرار داد. و اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: «احزاب جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های علمی و حرفه‌ای یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند مشروط به اینکه اصول استقلال آزادی وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند، هیچکس را نمیتوان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت» و وقتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با این صراحت و به پشتوانه عدل جهان گستر اسلامی آزادی احزاب و جمعیت‌های سیاسی را محترم شمرده و تقنین عقاید را متنوع دانسته‌است، طبیعی است که باید در هر حرکت غیرقانونی، نظیر آنچه در دو هفته اخیر رخ داده‌است، شک کتم و هر حرکت دیگری در ماه‌های اخیر که بصورت حمله به اجتماعات سیاسی، کتابفروشی‌ها، بانوان بی حجاب به منته ظهور رسیده‌است. بویژه که این اعمال پیش از آنکه حاصلی برای انقلاب داشته باشد، دستاویزی برای ضدانقلاب شده‌است که فریاد و اختناق سردهد و در سوک آزادی‌های از یک رفته در جمهوری اسلامی ایران، یقه بردارد و اشک تمساح بریزد.

از یاد برده‌ایم که پس از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد سال ۲۵۳۲ سال سلطه خونین و دمنشانه آریامهری حق هرنوع فعالیت و حتی تفکر سیاسی را از این ملت بازستاند و به جز احزاب فرمایشی و شه ساخته، هیچ سازمان و گروهی حق فعالیت و اظهار وجود نداشت و هر شخصیت و گروهی که جرات و جسارت بخرج میداد تا حلقه تنگ اختناق و سانسور را بکشد، با سرکوب و وحشیانه نظام چینی شاهنشاهی روبرو میشد. پس از دورانی آنچنان سیاه و منجمد، طلیه شکره مند انقلاب اسلامی ایران، مجال ایران عقاید و فعالیت آزادانه احزاب و گروه‌های سیاسی را فراهم ساخت و نیمیانه و با گشاده دستی سفره آزادی‌های سیاسی گشوده شد تا هر اندیشه‌ای که پیش از آن درین برده، فرصت نمایش و ابراز

شوق شرکت داشته‌است. ممکن هم هست که مقاومت به شکل دیگری انجام بگیرد یعنی نیروهای انقلابی تجزیه‌شوند، بر حسب مناطق مختلف تقسیم بشوند، آن وقت مبارزه به شکل جبهه‌های مختلف جنگ داخلی در ایران انجام خواهد گرفت. این‌ها هم‌ه‌اش بستگی دارد به اینکه جمهوری اسلامی با تجهیز همه نیروها بتواند اصلاً جلوه‌گرگونه توطئه جدیدی را بگیرد یا اینکه نتواند. اگر بتواند آنوقت کاری که ما می‌توانیم بکنیم، کمکی که نیروهای مترقی انقلابی می‌توانند بکنند، فقط عبارت است از شرکت در جبهه «بایداری و مقاومت به اشکال مختلف. اگر آنجا موفق بشوند که بالاخره در ایران یک جبهه بوجود بیاورند، آن وقت مقاومت نیروهای انقلابی هم در ایران باید به تناسب چگونگی این جبهه اشکال معین خودش را پیدا کند. ما کوشش خواهیم کرد که در تمام این زمین‌ها با رهبری جمهوری اسلامی در سلسله «سیح همه» نیروها برای مقاومت در مقابل توطئه‌های ضدانقلاب صیمانه و صادقانه همکاری کنیم و از هرگونه کارمرد و مجزای خودداری و رژیم تا به همکاری نیروها، به هم پیوستگی و تمرکز آنها که بزرگترین عامل قدرت نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی خواهد بود، صدمه‌ای وارد نیاید. البته اگر در شرایطی اتفاق بیافتد که یک جا، با نیروی توده‌ای تنها در یک منطقه مجبور باشد که حتماً تنها عمل بکند و با ابتکار خودش مقاومت را شکل بدهد، مطلب دیگری است. ولی البته این‌ها فرضی است. مسئله‌ای که الان مطرح هست، همان مسئله «افسارگی به منظور آماده کردن توده‌ها برای بالابردن روحیه مقاومت و مقابله است تا هر توطئه‌ای در همان نطفه‌اش خنثی شود و سرکوب گردد و اصلاً وضعی بوجود نیاید که اشکال دیگر مقاومت و مبارزه که برای انقلاب ما خیلی گران‌تر تمام خواهد شد، ضرورت پیدا بکند.

پس وظیفه ما الان این است که توطئه‌های ضدانقلاب داخل و خارج را در همان اولین لحظه شروع و عمل‌شان سرکوب و داغان کنیم. در همین جهت توصیه‌هایی که از طرف حزب شده است، به نظراً توصیه‌های درست و کافی است، ولی البته در این جا چیزی که خیلی مهم است، تشویق و تقویت روحیه مقاومت و بیروزی است.

س: آیا شکست برای انقلاب ایران پیش‌بینی می‌گردد؟ آیا خطر شکست وجود ندارد؟

ج: از این نوع سؤال‌ها، زیاد شده است. من اصولاً در این طرز سؤال کردن یک نوع روحیه ترس می‌بینم. دوسان عزیز، برای فراتر از انقلابی با لایحه خطر شکست هم هست. برای انقلاب کبیرا کتر هم چنین خطرهایی وجود داشت. تحلیل‌های رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی در این زمینه وجود دارد. وقتی در این تحلیل‌ها، از طرف اتحاد شوروی اعلام شد که سوسیالیسم دیگر شکست ناپذیر است، این یعنی چه؟ یعنی تا آن وقت هنوز نفوق نظامی امپریالیسم وجود داشته و هنوز خطراتی که سوسیالیسم ازین بوجود آورده داشته، ولی هیچ وقت نمی‌آمدند هر روز تبلیغ کنند که خطر شکست برای سوسیالیسم وجود داشت. کسی که این طور سؤال می‌کند روحیه ترس و وحشت از خود نشان می‌دهد. ما برای انقلاب ایران باید روحیه دیگری، در مبارزان ایجاد کنیم. آن چیزی که در امام خمینی یکی از برجسته‌ترین خصایص صفات اوست، همین است که در سخت‌ترین لحظه‌ها با نیرومندی و اعتقادی بسیار راسخ به بیروزی، با مردم روبرو شد و این امر به انقلاب خلق ایران نیرو بخشید. انقلاب ما هنوز امکانات فوق العاده نیرومندی دارد، خلق، با وجود نارضایتی‌هایی که دارد از این که ناشی از گونش باخاندان به اندازه کافی درست نشده، هنوز از انقلاب دفاع می‌کند. همه انقلاب‌ها این خاصیت را دارند. در کشورهایی که خلقها انقلاب کرده‌اند، این خلقها دشواری‌های طبیعی را طی دوران طولانی می‌توانند تحمل کنند، و می‌توانند سالیها مبارزه بکنند و با دشمن بجنگند. انقلاب ایران به عمده‌ترین هدف خودش، که کوتاه کردن دست امپریالیسم آمریکا و سرنگون کردن رژیم منحوس استبداد شاهنشاهی بود، به این هدف عمده و بیروزی عظیم دست یافت. درست است که مسائل فوق العاده بزرگی در مقابل انقلاب ایران قرار دارد. این مسائل را باید با تلاش در مبارزه برای حفظ موجودیت انقلاب حل کرد. انقلاب ایران هنوز امکانات فراوان دارد و هنوز بالقوه فوق العاده نیرومند است. تلاش ما باید این باشد که این نیرو را هر قدر ممکن است بیشتر منسجم کنیم، مشکل کنیم و در مبارزه به پیش بریم. این تلاش بی‌شکست است، تلاش بی‌شکست است. از حالا تجزیه‌خوایی کردن در باره اینکه شما خیال نمی‌کنید که اگر ما نیروهای خودمان را در اختیار بسج بگذاریم، این عمل حزب توده ایران را زیر ضربه قرار خواهد داد و نیروهای ما از بین می‌رود. این حرفها به نظراً نوعی فرار از جبهه در حساس‌ترین لحظه است. ما منتقدیم که این لحظه، لحظه‌ای است که یک انقلابی باید با تمام جان خودش در خط اول جبهه قرار بگیرد. پادمان نرود که در جنگ میهنی اتحاد شوروی و در تمام جنگهای دوران پس از انقلاب، جنگ‌های داخلی ۱۹۲۱-۱۹۱۸، در سخت‌ترین لحظات جنگ فرماندهان در جبهه همیشه اولین فرمانشان این بود که کمونیست‌ها پیش بروند! یعنی افراد کمونیست در خط اول جبهه باید حمله بکنند. یعنی خطرناک‌ترین قسمت نبرد را آن‌ها بایستی به عهده بگیرند. اگر خودشان را کمونیست می‌دانند، اگر خودشان را انقلابی می‌دانند و به همین دلیل است که در تاریخ جنگهای داخلی سالیهای ۱۹۲۱-۱۹۱۸ و در جنگ دوم جهانی و در تاریخ سارنجنگهای انقلابی که نگاه بکنید، می‌بینید که نسبت افرادی از اعضای حزب کمونیست که در جبهه کشته شده‌اند در قیاس با تمام اعضای حزب، ده‌ها برابر نسبت کشته‌شدگان غیر کمونیست در قیاس با تمام افراد جبهه‌است، یعنی اگر از بیست میلیون نفر، مجموع کسانی که در جنگ شرکت کردند دو میلیون نفری بگذریم کشته شده‌اند، نسبت کمونیست‌هایی که در جبهه کشته شده‌اند در قیاس با همه کمونیست‌های شرکت کننده در جنگ بیش از ۵٪ است. و این نشان‌دهنده «وظیفه» انقلابی است که کمونیست‌ها در برابر خود قرار می‌دهند. ما هم در این لحظه ازین برد اگرمی‌خواهیم انقلابی باشیم، باید در سخت‌ترین قسمت‌های جبهه، مؤثرترین شرکت را داشته باشیم.

در این لحظه حساس از انقلاب ایران، یک انقلابی باید با تمام جان خودش در خط اول جبهه قرار بگیرد.

ضرورت تشکیل جبهه متحد همه نیروهای اصیل انقلابی

وظایف آینده ما در برابر توطئه‌های ضدانقلاب

گذریم و از خلال آنها ببینیم که این حوادث چه بوده و چرا رست در آن موافقی اتفاق افتاده که ۳ روز یا ۴ روز بعدش آن بطنه با ابعاد عظیمی می‌بایست صورت گیرد؟ ماهانظوری، در نامه «مردم» اشاره کرده‌ام، معتقد نیستم که همه مانی کدر این حوادث تسخیر آمیز شرکت داشته‌اند، عوامل بریالیسم هستند. ولی همه آنها باز جبهه دست عوامل بریالیسم قرار گرفتند: از همه جهات چه در برابر و چه در بین، در سطوح مختلف اجتماعی کشور. امپریالیسم مهرم بی دارد در برابر از نوع امپراتورهای و در پایین از نوع پنهان‌هایی که خیلی قیافه انقلابی دارند و یا راست روهایی خیلی هم قیافه اسلامی می‌گیرند. نمونه یکی از آنها دو سی است که در دیروز در نامه «مردم» چاپ شد. این دو سی که متعلق به یک آدم است، نشان می‌دهد که این آدم گذشته بدون ریش چه می‌کرده و حالا باریش چه می‌کند. اران نمونه از این بی‌ریش و باریش‌ها امروز در جامعه ما ده می‌شوند و آنچه در تمام سطوح، در تمام مقامات و حتی بر مسئولیت‌ترین مقامات. اینها توانسته‌اند خودشان را جا ند. متأسفانه جسمهای کم‌سوی بسیاری از مسئولین و حتی باری از انقلابیون واقعا علاقمند به انقلاب، این عناصر را ببیند یعنی نمی‌تواند این ریش را از صورت این‌ها بردارد. نطق‌های شاهنشاهی را از برونده‌هایشان بیرون بکشد. ل آنها خیلی زیاد است، ما باید کوشش کنیم این واقعبت به میان مردم ببریم. کار هواداران واقعی انقلاب این است که سنگین است. به هر کس که کار را به بحث‌های مبتذل از بحث‌های گروه‌های چپ‌رو می‌کنند، بدون هیچ گونه بایستی باید گفت که توداری به ضدانقلاب کمک می‌کند. ز باید این توطئه را با تمام ابعادش به مردم نشان داد، مردم را تجهیز کرد برای مقابله با توطئه‌ای که بعد از این باند بیاید، می‌تواند مثل توطئه ۲۸ مرداد سه روز دیگر ک ماه دیگری یا سه ماه دیگر بیاید، ولی در این که حتماً ن آمد تردید نیست. این را هر کس که تردید بکند یا ه است و یا مامور ضدانقلاب است، مادر این باره تردید امپریالیسم آمریکا دست بردار نیست.

سفر فرانسه از قول زیسکارد است گفته که آمریکایی گوید: آلمان غربی و از ایران دست بردار نیستم. این را کاتر سکار دستن گفته و این واقعبت است، این مطلب اهمیت را در استراتژی امپریالیسم نشان می‌دهد و به این جهت توطئه‌هایی در آینده خواهد بود. به همین جهت تدارک، معنوی و تدارک مادی یعنی آماده بودن تمام نیروهای ی برای مقابله با ضدانقلاب، همانطور که در فراخوان حزب توده ایران گفته شده است، ضرورت دارد و ما ارم که مرکز بسج ملی این خطر را خیلی جدی بگیرد و بسج همه نیروها علیه ضدانقلاب کوشش بکند. ما هم ه این امر کمک بکنیم.

س: وظایف آینده ما در برابر توطئه‌های ضدانقلاب چیست؟

ج: اول - افشاکاری توطئه. دوم - نشان دادن این که طئه چه جهات اصلی داشته؟ و کی‌ها هدف‌های اصلی‌اش است. سوم - لزوم تشکیل جبهه متحد همه نیروهای اصلی من این ضدانقلاب و امپریالیسم هستند و دشمنی‌شان شده‌است. این توطئه یک بار دیگر ضرورت تشکیل یک متحد را برای مقابله با توطئه‌های آینده ثابت کرده البته هم‌احتمالات را باید در نظر گرفت. ما از امروز نیم بگویم که توطئه آینده دقیقاً به چه صورت خواهد یا به همین صورت بخش داخلی و بخش خارجی خواهد باه آن صورتی که امروز در هشداد کمیته مرکزی اعلام به صورت یک تجاوز خیلی شدید از خارج خواهد بود. هجوم نیروهای ارتجاعی که در خارج متمرکز و آماده به صورت حمله تجاوزکارانه آن‌ها از زمین و آسمان و بعد بیوستن نیروهای داخلی به آنها و ریابه صورتی‌های ما از الان نمی‌توانیم پیش بینی بکنیم که در هر یک از لات مقاومت مردم چه شکلی به خود خواهد گرفت. اومت جبهه‌های به خود خواهد گرفت یا شکل دیگر؟ آنها فرضا در نتیجه عدم آمادگی کافی نیروهای نیروهای دولتی، نیروهای عمومی جمهوری اسلامی وند کوشای ایران را جدای بکنیم که در هر یک از این منطقه «قیام کرده» به اشغال خود درآورد، خوب مقابله به صورت جبهه جنگ خواهد شد، مقابله به بارزه برای نابودی آن‌ها خواهد بود. در آن صورت توده‌ای موظف هستند که در نیروی عمومی جمهوری که حتما علاوه بر نیروهای نظامی، نیروهای داوطلب بروا هدر گرفت، به طور مؤثر و وسیع شرکت کنند و

بک ایران در جبهه متحد خلق

اعلامیه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به مناسبت

روز قدس

خلق قهرمان فلسطین سالهاست که با بدل جان خود، با رشادت و شجاعت کم نظیر علیه اشغالگران صهیونیست و حاکمان امپریالیست آن سرزمین مبارزه می کنند...

متأسفانه از همان فردای پیروزی انقلاب آن نیروهای که از گسترش پیوندهای برادرانه انقلابی ایران و فلسطین دروخت بودند، کوشیدند تا مانع گسترش آن گردند...

ولی مردم ایران علیرغم این دسایس نشان دادند که دوستان و دشمنان خود را به خوبی می شناسند و فریب نمی خورند...

مردم جوانان و دانشجویان ایران امسال در شرایطی مراسم روز قدس را برگزار میکنند که امپریالیسم صهیونیسم بهر راه رژیم های وابسته دست نشانده ای چون رژیم های مصر، توطئه جدیدی را علیه مردم فلسطین آغاز کرده است...

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران که همواره به بی تزلزل و استوار در سنگر دفاع از مرعادلانیه خلق فلسطین قرار داشته است، به دعوت «سازمان مرکزی روز قدس» پاسخ مثبت می گوید و از همه اعضا و هواداران، از همه جوانان و دانشجویان انقلابی ایران می طلبد که در مراسم و راهپیمایی «روز قدس» شرکت جویند...

پیروزی دمیایرزه عادلانه مردم فلسطین علیه امپریالیسم صهیونیسم، مرگ امپریالیسم چپانی سرگردگسی امپریالیسم آمریکا...

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران ۱۳۵۹/۵/۸

رانندگان و وسائط نقلیه سنگین برای قطع دست واسطه ها و بهبود وضع زندگی شان چاره های جز تشکل در اتحادیه های صنفی خود (سندیکاها) ندارند!

مسائل کارگری

رانندگان و وسائط نقلیه سنگین تشریح از محکشان جامعه ماست که مسئولیت سنگین حمل و نقل محصولات را بر دوش می کشند و پاتلاش مداوم خویش را گرمای تابستان و سرمای زمستان و با تحمل خطرات احتمالی، در روند توزیع شرکت می جویند...

کارخانه سیمان صوفیان، واقع در مسیر جاده تبریز سمرند که قسمت اعظم تولید سیمان مورد نیاز رادر استانهای آذربایجان شرقی و غربی و کردستان بر عهده گرفته است، لنگرگاه بیش از ۴۰۰ (چهارصد) وسیله نقلیه سنگین از قبیل تریلر، کامیون و کبرسی می باشد که برای بارگیری و حمل سیمان چندین روز و در مواردی بیش از یک هفته پشت تویتمی خوابند...

از بهر در تن نیروی انسانی درمندی که رانندگان با انتظار نشسته اند (که از چهار روز کمتر نیست)، از فقدان راه و آسایش برای آنان و غیره که بگذریم، نقش واسطه ها، تحت عنوان با اصطلاح «بتگاه» های چون «خاورنو» (جمعا ۵ بتگاه) در چپاول دست رنج آنان آنچنان چشمگیر و ملموس است که بقول خودشان، جان را به لباش رسانده است...

مقتضیات سیمان اپنداپول آن را بحساب کارخانه به بانک و اریز می کنند و حواله ها را در اختیار صاحبان بتگاههای گذارند تا وقتی نوبتشان رسد، توسط رانندگان سیمان را برایشان ارسال دارند...

سدهای چهار (۴ درصد) از کرایه رانندگان را رسماً برای خود کسری می کنند...

که کفاره این رقابت را تنها رانندگان می بردند. مقتضای باید از فرماندار محل مربوطه حکمی داشته باشد جهت نیاز برای سیمان، والا سیمان به هر کسی داده نمی شود...

اخبار کارگری

مصدومین حوادث کار را دریابید!

روزی نیست که هریک از بیمارستان های تهران پذیرای چندتن از کسانی که در حین کار مجروح شده اند نباشد. در اورژانس بیمارستان جرجانی با چندتن از این کارگران به گفتگو می نشینیم...

یکی دیگر از کارگرانی که در حین کار مجروح شده است و یک ساعت بعد از علی اصغر زاده به وسیله دوستانش به بیمارستان آورده می شود، یک کارمند بانک ملت است. او می گوید: «کارم تعمیر تابلوهای بانک است امروز برای تعمیر تابلوی یکی از بانکها به بالای تابلو رفته بودم که از ارتفاع شترتری پایین افتادم...

شیوه دیگر این است که اکثر متقاضیان مقدار سیمانی که تقاضا نموده اند مدت ها طول می کشد تا سیمانشان را دریافت دارند. مثلاً برای خروج ۲۵۰ تن سیمان برای دشت مغان گاه ماهها وقت لازم است...

برای پایان بخشیدن به نقش غیر ضرور واسطه ها از میان جمع نظریات، نظر حسین را برمی گزینیم که عضو سندیکا نیز هست و بقول خودش تسلیم «زور گوئیها» نمی شود و در یک گفتگوی مفصل گفت:

برادرم بگذارد بگویم که بهبودی شرایط زندگی ما رانندگان در گرو تشکیل سندیکا است. اما متأسفانه بزخی از رانندگان، بامدین مسئله حیاتی اهمیت نمی دهند و در باره اش سهل انگاری می کنند...

برای جلوگیری از اچافات که بدبختانه برخی از برادران راننده آسانی بدان تن در می دهند نباید عجز و لایه نشان داد. باید با قدرت و استفاده از توان این استاد گری کرد...

بهر آنست که دولت رانندگان و وسائط نقلیه سنگین را استخدام بکند و ما را از چنگ تمامی گرفتاریهای موجود برهاند...

کارگران بیمارستان های دانشگاه ملی بیمه خدمات درمانی می خواهند!

کارگران بیمارستان های آموزشی دانشگاه ملی (بیمارستان های جرجانی، صدیقه رضائی، لقمان الدوله، سعادت آباد) خواهان بیمه خدمات درمانی هستند...

افراد شاغل در اورژانس بیمارستان می گویند: «روزانه حداقل ۳-۴ نفر که در حین کار مجروح شده اند به این بیمارستان مراجعه می کنند...

غالب کارگرانی که در حین کار به طور جدی مجروح می شوند در مقابل خود آینده تاریکی را می بینند که با عدم توانایی در انجام دادن بسیاری از کارها و بیکاری همراه است...

در مطبوعات کشور

(اطلاعات سه شنبه ۲ مرداد ماه ص ۱۲)

از سخنان محمد هنر دوست و امیر حسین معاونین دولت آزاد دانشجویان ایرانی عضو شورای جراحی انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه کراچی...

یعنی سبیل دانشجویان ساواکی بودند. اینجا دانشجویی درس می خواند که تشریف رادرباره بسوی تمدن بزرگ می نشیند و این دانشجویان در اینجا دجواختناقی گاملا مشرب و دند خالامینیم...

موج انقلابی ایران تشدید شد (منظور سه سال گذشته است) و این موج ضربه واد کرد بر چسب دانشگاهی حاکم و باعث شد که یک عده قلیلی از خواب بلند شوند...

بعد از انقلاب وضع خیلی فرق کرد. ساواکی های دیروز، انقلابی های امروز. اگر در گذشته در رژیم اختناق شاه دانشجویان برای فعالیت های سیاسی سازماندهی می شدند...

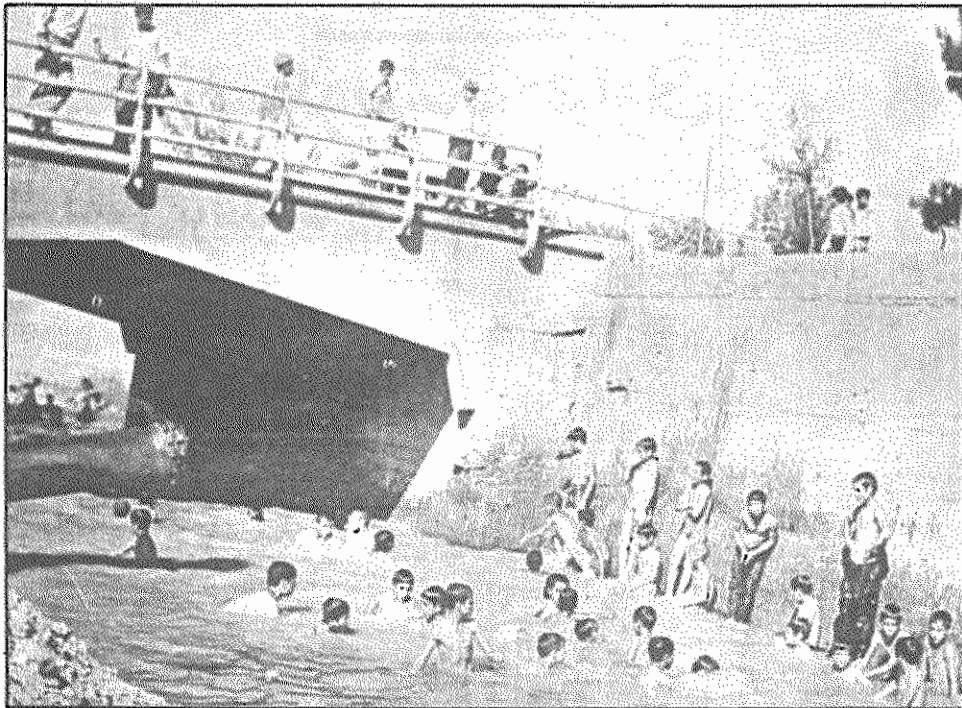
ساواک

بعد از انقلاب برای تصفیه دانشجویان ساواکی تنها کاری که کردیم افشاکاری بود. اما مطلب مهمتر اینست که قبل از اینکه برادران آقای اعرابی ها شمی بعنوان سرکنسول، اینجا بیایند یعنی تا قبل از اسفند ماه سال گذشته نمایندگان دولت جمهوری اسلامی ایران از وابستگی ن شدید ساواک بودند قبل از آقای اعرابی ها شمی، آقای بهرام بیگی نامی در اینجا نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران بود که از نوکران سرسپرده نصیری معسوم محسوب می شد...

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است. تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است...

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم



کودکان قم از گرما به گنداب‌ها پناه برده‌اند

کودکان و نوجوانان قم به علت گرمای فوق العاده این شهر و کمبود استخرهای گنداب پناه برده‌اند. این گنداب‌ها در محله رودخانه قم قرار دارند و به نواحی می‌گردد. این گنداب‌ها آلوده هستند. یکی از نوجوانان قم در مورد علت شنا در این گنداب‌ها می‌گوید: "قم تنها یک استخر دارد که حق ورود به آن هم ۵۰ ریال است و ما قافله برداریم و نماندیم."

در رفع نارسائی های شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی بکوشید

شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی در ۴۵ کیلومتری جنوب قائم‌شهر ما بین شهرهای زیر آب و بل سفید قرار دارد. این شرکت وابسته به شرکت ملی ذوب آهن ایران است. گنداب‌ها در صنایع ملی فولاد دغا می‌باشد و شرکت ملی فولاد ایران نامیده می‌شود. کارکنان قسمت استخراج در دو شیفت شب و روز کار می‌کنند. کارگران بیشتر از اهالی شهرهای کوچک، بخش‌ها و دهات اطراف شرکت هستند که بوسیله سرویس‌های شرکت به سعدین رفت و آمد می‌کنند. طبق قرارداد، کارشناسان اتحاد شوروی در امور استخراج نظارت دارند. کارگران نسبت به وسایل و لوازمی که دولت در اختیار مسئولین گذارده است، از ایمنی نسبتاً خوبی برخوردارند و سواستخوان‌ها در ناگوارنای از نقصان و سائل ایمنی بسیار نادر بوده است. در حال حاضر چرخه‌های بزرگ و یک‌دندانه بزرگ در شرکت البرز مرکزی مشغول به کارند که یک نفر از آن در بیداری معادن "کارمزد" سه نفر در منطقه "آژاد مهر" و یک نفر در منطقه اکتشافی "کیا سر" بیمارانی را معالجه می‌کنند. تعداد بزرگان شرکت تا چند ماه پیش هفت نفر بوده است، که در وقت آژاد مهر به بزرگان منتقل شده اند و هنوز بزرگی آنان بزرگ‌چیدی است. مسکنات بیداری‌ها و تعداد بزرگان نسبت به تعداد کارکنان و مراجعین روزانه بسیار کم است، بطوریکه اغلب اوقات یک بزرگ مجبور است دو بزرگ و پنجاه بیمار را در یک روز بزرگ کند. بزرگ‌چیدی روشن است که بزرگان بعلت کثرت مراجعین، فرصت معاینه دقیق بیمارانی را ندارند. کارگران ظاهراً در مقابل سوانح بیمه شده‌اند، اما در موارد بسیاری دیده شده است که توجه کافی نسبت به کارگزارانی که در اینجا کار می‌کنند، به‌کار نمی‌کنند. کارگران نسبت به این نارسائی‌ها اظهار نارضایتی می‌کنند. بیشتر انگیزش‌های آزاد می‌پردازند - مندان بومی غیر بومی تشکیل می‌دهند. اما کارگران روزمزد بطور کلی از داشتن خانه‌های سازمانی محرومند. تاکنون هم تصمیماتی جهت برآوردن زمین‌های مناسبی برای کارگران از لحاظ مسکن اتخاذ نشده است. از آنجا که بیشتر کارگران علاوه بر شغل بودن در شرکت البرز مرکزی، به‌زراعت و دامداری

داری نیز اشتغال دارند و دارای مسکن هستند، تاکنون اعتراض جدی در این مورد به عمل نیامده است، ولی بسیاری از کارگران مایلند که امکان سکونت در خانه‌های سازمانی داشته باشند. کارکنان شرکت البرز مرکزی و بطور کلی کارکنان شرکت ملی ذوب آهن ایران، تا زمانی که روزمزدی با مبالغ "کارتی" هستند، کارگر نامیده می‌شوند و به ندرت از رسمی شدن لقب "کارمند" را احراز می‌کنند. این بدان می‌ماند که کارکنان حق رسمی شدن نداشته‌اند. است و بنا بر این اطمینان خاطر آید که در این زمینه و تضمین شده به‌کاربردن از بیشتر کارگران روزمزد هستند و تنها تعداد بسیار کمی از آنان از "موبت" رسمی شدن برخوردار شده‌اند. شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی در منطقه "کیا سر" و "کارست" عملیات اکتشافی انجام می‌دهد. منطقه "کیا سر تقریباً" در هفتاد کیلومتری جنوب شرقی شهریار، در کناره راه ساسانی - شهریار است و منطقه "کارست" تقریباً در بیست کیلومتری آزاد مهر نزدیک آلاشت قرار دارد. مرحله اکتشافات تفصیلی در "کیا سر" انجام است و معادن آن بزودی آماده حفرتول و استخراج خواهد شد. عملیات اکتشافی در کار سنگ ادامه دارد، که آنهمه مرحله تفصیلی رسیده است. کارگران این قسمت عبارتند از کارگران حفاری، ساختمانی و غیره. کارگران اکتشافی در بیشتر مسائل و کمبودهای موجود، با کارگران بهره‌بردارانی مشترک‌اند، بجز مشکلاتی که مختص خود آنهاست. بعنوان نمونه: کارگران حفاری مجبورند هر هفته شام شب روز را در محل حفاری حضور داشته باشند، که در اینجا از وسایل رفاهی بسیار چیز ناقص برخوردارند. آنها پس از یک هفته کار مداوم چند روز به استراحت می‌پردازند. بجز شوره‌های بعضی از قسمت‌های فرعی، شوره‌های در شرکت البرز مرکزی وجود ندارد و تاکنون کارگران دست به تاه سینه‌سندیکس نزنده‌اند. از مسئولین امر می‌خواهیم که در رفع نارسائی‌های موجود در شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی بکوشند تا کارگران این مرکز بتوانند با فراغ‌بال هر چه بیشتر سطح تولید را افزایش دهند.

زیادگی سخت در منطقه‌ای ثروتمند و پربرکت

بیله‌سوارمغان از مناسبت‌ترین مناطق کشاورزی در سراسر ایران است.

منطقه "بیله‌سوار" مغان قسمتی از دشت وسیع مغان است، که از طرف شمال، جنوب و شرق با آذربایجان شوروی هم‌مرز است. این منطقه، که از خاک‌های حاصلخیز و آب‌سیراب میل‌مغان بهره‌مند است، از مناسبت‌ترین مناطق کشاورزی در سراسر ایران است. بخش "بیله‌سوار" از دو قسمت "باباش‌کندی" و "بیله‌سوار" تشکیل می‌شود و جمعیتی در حدود ۱۲۰۰۰ نفر را در خود انگن دارد. ۹۷٪ مردم به کشاورزی اشتغال دارند. بیشتر اهالی را دهقانان نیمه‌مرفه تشکیل می‌دهند. در این بخش چند فتوادل و نیز عده‌ای دهقان بی‌زمین زندگی می‌کنند.

بازده محصولات کشاورزی در این محل خیلی بالاست. از هر هکتار رکت آبی ۵ تن و از هر هکتار رکت دیمی ۳ تن غله برداشت می‌شود. دامداری و پرورش طیور منطقه نیز از کیفیت خوبی برخوردار است. دامها در تهران، ارسنیل و شهرهای شمال خریدار دارد.

"بیله‌سوار" مغان دارای امکانات مناسب و متعددی برای بهره‌مندی از یک زندگی مناسب و پررونق است. لیکن مردم "بیله‌سوار" محرومیت‌های بسیاری را در زندگی و وجود زندگی در چنین منطقه ثروتمند و پربرکتی، با رنج و سختی روبرو هستند. از مهمترین محرومیت‌های مردم این منطقه می‌توان "آب آش" - "میدنی" - "مناسب است" - "آب بیله‌سوار" - "کامله" - "آهکی است" - "بیمین علت تعداد زیادی از مردم مبتلا به بیماری "سنگ کلیه" و "سنگ مثانه" هستند. برای رفع این مشکل بزرگ، نصب یک دستگاه تصفیه آب جزو ضروریات است.

در تمام منطقه بیله‌سوار و روستاهای اطرافش فقط یک بیمارستان با ۲ پزشک و یک درمانگاه با یک پزشک وجود دارد. این بیمارستان چون فاقد کادر مجرب پزشکی و تجهیزات فنی است، تقریباً نقش اورژانس را ایفا می‌کند. در این منطقه ۲ داروخانه نیز وجود دارد، که داروهای موجود در آن علاوه بر کراتی، نمی‌تواند حتی ۱٪ احتیاجات منطقه را برآورده کند. بنا بر این اگر کسی بیمار شود، باید پس از ۴ ساعت عبور از راه‌های پرست انداز زیاده‌رشدیل منتقل شود. در بیله‌سوار اصطلاح "حمام" هم هست. اما حمام‌هایی که بجای نشانه سلامت و پاکیزگی بودن، نشانه انواع بیماری‌ها هستند.

راه بیله‌سوار، که اخیراً "اسفالت‌شده" پرست انداز و دارای چاله‌های عمیقی است، که در مجموع هرگونه مفهوم "اسفالت" را بی‌معنی می‌سازد. دو دستگاه بل بین "کرمی" و "بیله‌سوار" توسط سیل از بین رفت. از همان موقع پایه‌های پل فلزی جدید کار گذاشته شد، لیکن تا حال از خود پل خبری نیست و در نتیجه تعداد زیادی بوده است. کوجه‌ها و خیا با نهایی خود بیله‌سوار نیز مملو از گل و شل است، بطوریکه مردم برای عبور از آنها حتماً مجبور به استفاده از کجک هستند.

گرانی تنفزه بسیار است. بعنوان مثال خیار کیلویی ۳۰ ریال، در بیله‌سوار ۶۰ ریال، و یک بطری نوشابه ۱۰ ریالی، به قیمت ۲۵ ریال بفروشی می‌رسد. برای تمام منطقه بیله‌سوار تنها یک دبیرستان و یک هنرستان کشاورزی وجود دارد. هنرستان کشاورزی با تمام تجهیزاتش عا طبل و باطل افتاده و ماشین آلات آن در حال پوسیدن است. این هنرستان بجای تربیت کادر فنی تبدیل به ماشین دیپلم‌سازی شده است. از ساه ختمان هنرستان در یک شیفت برای مدرسه راهنمایی تحصیلی دخترانه استفاده می‌شود. علاوه بر اینها، در بخش ۳ باب دبستان، یک کودکستان و یک باب مدرسه راهنمایی تحصیلی وجود دارد. از اساسی ترین مشکلات دانش آموزان، عدم وجود کتب و کتب معلم‌کارآموز است. بطوریکه تا دیماه سال گذشته، دبیرستان بیله‌سوار عملاً ۴ دبیر داشت.

امکانات ورزشی در بیله‌سوار بسیار محدود است. از یک انبار ریمتوان سالن ورزشی استفاده می‌شود. با این که ورزشکاران بیله‌سوار از استعداد خوبی برخوردارند و به خصوص در رشته والیبال یکی از بهترین تیم‌های شهر است. تنها آذربایجان را دارند، بهیچوجه از امکانات کافی برخوردار نیستند.

بیله‌سوار امکانات بسیار برای کشاورزی و دامپروری پر رونق و رفاه برای اهالی دارد. باید باین منطقه توجه لازم را معطوف داشت.

بدون اطلاع از متن نامه، آنرا امضاء کردیم اکنون متوجه شده‌ایم که این نامه مربوط به قرارداد هشتاد و پنج روزه است. ناگفته‌نماند که این کارگران تاکنون از هیچگونه مزایای قانونی استفاده نکرده‌اند و گذشته از آن، کارفرما هر روز مبلغ ۵۰ ریال از حقوق آنها بابت بیمه کسری می‌کند. نکته جالب توجه این است که کارفرما شرکت عضو کمیسیون ۹ نفره حل اختلاف در کار آذربایجان شرقی است، یعنی به میزبان رسیدگی به دادخواهی‌های آنها می‌شود. مسئولین اداره کار آذربایجان با بددلتی انتخاب مسئولین امر نباید مراقت را بکار ببرند، تا افرادی که تا زمانی که کارگران شریف‌وزن نگذشتند.

بسیار ناگوار است که در این شرایط، کارگران در باره امضاء قرارداد اظهار داشتند: "بسیار ناگوار است، بجز کارفرما که غرضی از این امضاء نیست. ما از او پرسیدیم: این امضاء برای چیست؟ او در پاسخ گفت: می‌خواهم به شما دفترچه بیمه بدهم. ما چون هیچکدام سواد نداریم و همگی مشتاق بدست آوردن دفترچه بیمه بودیم،

چندی پیش حدود پنجاه تن از کارگران شرکت مخابرات ایران که مشغول حفاری خیا - با نهایی تبریز برای کابل کشی وسیم‌کشی تلفن بودند، با مراجعه به اداره کارخواستار رسیدگی به وضعیت کار خود شدند. این کارگران که هرکدام از پانزده ماه تا پنج سال سابقه کار دارند، می‌گویند: "همین او را، بجز شوره‌ها و فرسایش جسمی که اخیراً" بخشنامه‌های به کارفرما جهت پرداخت اضافه حقوق کارگران ابلاغ شده است. ما خواهان اجرای آن هستیم، کارفرما در پاسخ ما کارگران گفت: "بیل و کلنگ‌ها را زمین بگذارید و بروید، چون همه شما خارج هستید". کارگران بعنوان اعتراض به این عمل غیر قانونی کارفرما، برای دادخواهی به اداره کار و امور اجتماعی تبریز مراجعه کردند. مسئولین اداره کار علت را از کارفرما جویا شدند. کارفرما در پاسخ آنها گفت: "این کارگران همگی بطور موقت کار می‌کنند و برای مدت هشتاد و پنج روز با آنها قرارداد امضاء شده است".

درگیری‌های روستائیان دولت آباد و کاهو و اسجیل (توابع چناران) تنها به سود ضد انقلاب و فتوادل‌های منطقه است

روزهای دوشنبه و سه‌شنبه ۲۹ و ۳۰ تیرماه ۵۹ شاهد درگیری و زدوخورد های تأسف‌آوری بین روستائیان دولت آباد و یکطرف روستائیان کاهو و اسجیل از طرف دیگر بودیم. این درگیری‌ها به کشته شدن بیش از ۷ نفر از روستائیان زحمتکش و زخمی شدن عده زیادی گردید. تعداد زیادی از روستائیان نیز در ارتباط با این درگیری‌ها بازداشت گردیدند. این درگیری‌ها بر سر یکی از مسائل حیاتی و ستی روستاهای ایران، یعنی "آب" اتفاق افتاد. آب رودخانه‌ای که به پنج قسمت بین روستاهای دولت آباد، اسجیل، کاهو، سلطان آباد، قلعه کاهو تقسیم می‌شود، توسط عده‌ای از اهالی دولت آباد از بالای مخزن بروی دیگر روستاها بسته شد و این زدوخورد و کشتار تأسف‌آور را در پی آورد.

این مسئله از سال‌های قبل مورد اختلاف بین این روستائیان بوده، که هر بار با اقدام و کم‌کم خود روستائیان، بطور مسالمت‌آمیز حل می‌گردید. امسال که جویسای کشور آرامش بیشتری میلید، متأسفانه خندانقلاب موقوف شتند و خورد و خورنری ایجاد کند. دست‌های ضد انقلاب عمال فتوادل‌ها و طرفداران نظام آریامیری در این ماجرا به خوبی نمایان است. آنها هستند که در ایجاد تشنج و ناامنی و ناراضی عمومی نفع دارند. فردی در رأس این غائله است که زمانی از طرف اوبسی و نمایندگان مجلس شورای زمان طاغوت و مدیر کل اصلاحات ارضی شاهانه در مشهد، توصیه می‌آورده و این بار در جمعی که ۳۰ نفر از روستائیان زحمتکش مجل گرد آمده بوده‌اند، با توین واقترا به آنها، تحریک را به اوج خود رسانده است. این شخص که نیکو نام دارد، به گواهی روستائیان به انواع تنگنا و مسلسل‌ها مجهز بوده و آتشبار ممرکه گردیده است. آجودان مخصوص فرمانده لشکر ۷۷ خراسان نیز در امر اسلحه‌رسانی به عوامل تحریک و تشنج مؤثر بوده است. رضا جلالی از چاقوچیان معروف منطقه نیز، که به گواهی روستائیان تبار دارای نوار فستک مسلسل بوده در این ماجرا و دامن زدن به آن ذینفک است. دو تن از قاتلین به نامهای تقی عبدال و ابوالحسن فرجی نیز مسلمانان در کوه‌های اطراف اسکر گرفته‌اند. باین ریشه‌های تحریک و تشنج باید توجه کرد و به انصاف و حق در مورد تقسیم آب باتوافق کلیه روستائیان رسیدگی نمود. آنچه که باعث تعجب و مایه تأسف است عدم رعایت بی‌طرفی و کم‌کاری آنست که از سبب این است که از سبب پاسداران، شهید بعل اعزاز شدند با ساداران انقلاب پشوانه زحمتکشانه و بی‌حق از حسن شهرت در میان دهقانان برخوردار هستند، اما در این مورد، آنها علاوه بر سهل‌انگاری، با عدم رعایت بی‌طرفی و جانبداری از عده‌ای خاص باعث گسترش دامنه زدوخورد و بدبینی بین روستائیان زحمتکش گردیده‌اند، بطوری که دهقانان زحمتکش حتی نمیتوانند باور کنند که اینها پاسدار هستند. بعضی از اهالی این روستاها معتقدند که عده‌ای با پوشیدن لباس پاسداری و با ظاهر به پاسدار بودن باعث رعیت و وحشت بین روستائیان گردیده‌اند. و این امر باعث گردیده که عملاً در خاموش کردن منطقه ناموق باشند و این فاجعه به بار آید. که البته بی‌مناسبت نیست که فرمانده سپاه پاسداران در واقع نیز نسبت باین مسئله و امکان سوءاستفاده از نام و از لباس پاسدار تحقیق جدی بعمل آورد.

روستاهای اطراف دولت آباد بی‌حق خواستار حل شدن مسئله تقسیم عادلانه آب و رسیدگی عاجل به وضع خانوارهای متولین هستند و در اجتماعي که روز ۵/۵/۵۹ در استانداری داشتند، حل این مسئله را از کلیه مقامات مسئول خواستار گردیدند. نامه‌ای که آنها تهیه کردند، دارای بیش از پنج هزار امضا است. این روستائیان از نابودی باغات میوه خود شدیداً نگرانند، چون مسئله مرگ و زندگی و نابودی ده‌آنها در میان است.

ولی روستائیان زحمتکش باید در نظر داشته باشند که هم‌اکنون که شیطان بزرگ، امپریالیسم آمریکا برای موقعیتی مناسب در کمین است و هر روز توطئه‌های جدید به پای کند و در شرایطی که کم‌کم اکتون مقدمات طرح اصلاحات ارضی در حال اجراء است و هیئت‌های هفت‌نفره تقسیم زمین شروع به کار کرده‌اند، به باشند اینگونه غائله‌ها بر سر مسئله‌ای که خود روستائیان با همکاری مقامات دولتی قادر به حل مسالمت‌آمیز آن هستند، به‌جز شیره‌زدن به اتحاد و یکپارچگی زحمتکشان و سوءاستفاده خندانقلاب و فتوادل‌های غارتگر چیزی به بار نمی‌آورد. چهار نفر کشته‌زده کاهو، دو نفر کشته از اسجیل، یک نفر میراب مفتوادلانثر ثمره فعالیت است، مستقیماً بسود ضد انقلاب باریدگی نوری به مسئله تقسیم آب بین روستائیان زحمتکش باید از بهره‌برداری خندانقلاب و از زبانه‌های ناشی از نابودی باغات میوه و از بین رفتن روستاهای ذینفک جلوگیری کرد. ریشه‌های این نوع اختلافات در نظام طاغوتی گذشته است و گرنه زحمتکشان دهات با هم اختلافی ندارند. طاغوت‌زدائی منجمه شامل بر کردن این ریشه‌های ناسد نیز میشود.

کسب سود به هر قیمت قانون جنگل کارفرماست

کارگران در باره امضاء قرارداد اظهار داشتند: "بسیار ناگوار است، بجز کارفرما که غرضی از این امضاء نیست. ما از او پرسیدیم: این امضاء برای چیست؟ او در پاسخ گفت: می‌خواهم به شما دفترچه بیمه بدهم. ما چون هیچکدام سواد نداریم و همگی مشتاق بدست آوردن دفترچه بیمه بودیم،

بعد از مرگ شاه مخلوع نوبت نابودی سلطه همه جانبه آمریکا است

قتل عمد یا مرگ طبیعی؟
بچه متصدود و از چه راه؟



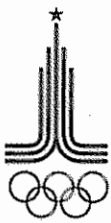
امپریالیسم آمریکایز گترین بازنده المپیک مسکو بود

المپیک مسکو باشکوه فراوان

به پایان رسید

قهرمان آلمان دمکراتیک رکورد پرش ارتفاع را به ۲/۳۶ متر ارتقاء داد

یک زن قهرمان شوروی با پریدن ۲/۶۰ متر رکورد المپیک را شکست



آخرین نتایج

دردوروز آخر المپیک بیست و دوم قهرمانان کشورهای سوسیالیستی با درو کردن اکثریت مطلق مدالیتهایی که در این دوروز تقسیم می شد، مسابقات را به پایان بردند. در همان حال که قهرمانان اتحاد جماهیر شوروی بر سکوی ۴x۱۰۰ متر مردان ایستاده بودند و زنان این کشور مدال ۴x۴۰۰ متر را بر گردن می آویختند، قهرمان اتیوپی خط پایان ۵ هزار متر مردان را می پرید و کنسار را قهرمان آلمان دمکراتیک با شکست رکوردچیان از ارتفاع ۲/۳۶ متری گذشت. هنوز این رکورد اعلام نشده بود که قهرمان دیگر آلمان دمکراتیک مسابقه دوم را تن را فتح کرد و در میان غریب تماشاچیان به استادیوم رسید. این تازه آغاز کار بود: مردان اتحاد جماهیر شوروی مسابقات والیبالی را فتح می کردند و بسیر رود مسکوا قایقهای حامل قهرمانان مجارستان، لیستان، شوروی و آلمان دمکراتیک بی دربی به خط پایان می رسیدند. در همین روز ولادیمیر پوپوف رئیس کمیته ملی المپیک شوروی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که تاکنون ۳۳ رکورد جهان ۲۰ و ۷۰ رکورد المپیک در المپیک ۸۰ شکسته شده است. او اضافه کرد: تاکنون قهرمانان ۲۵ کشور مدال طلا و قهرمانان ۳۱ کشور مدال طلا و نقره گرفته اند.

او همچنین گفت: بیش از ۵ میلیون نفر از مردم شوروی از مسابقات دیدن کرده اند. مهم ترین نتایجی که در دوروز آخر کسب شد، بشرح زیر است:

پرش طول زنان: یک زن قهرمان شوروی بعد از ۱۲ سال با پریدن ۷ متر و ۶۰ سانتی متر رکورد المپیک را شکست. آلمان دمکراتیک دوم و شوروی سوم.

۴x۱۰۰ متر زنان: آلمان دمکراتیک با شکستن رکوردهای جهان و المپیک اول، شوروی دوم، انگلستان سوم.

پرش با تیک زنان: آلمان دمکراتیک با شکستن رکورد المپیک اول، بلنارستان دوم، شوروی سوم.

۱۵۰۰ متر زنان: شوروی با شکستن رکورد المپیک اول، آلمان دمکراتیک دوم، شوروی سوم.

پرش ارتفاع مردان: قهرمان آلمان دمکراتیک ۲ متر و ۳۶ سانتی متر پرید و رکوردهای المپیک و جهان را شکست. لیستان دوم، آلمان دمکراتیک سوم.

والیبالی مردان: شوروی اول، بلنارستان دوم، یوگسلاوی سوم، برزیل چهارم.

فینال فوتبال: چکسلواکی آلمان دمکراتیک را با یک گل شکست داد و قهرمان شد. آلمان دمکراتیک دوم و شوروی با زدن ۲ گل به یوگسلاوی سوم شد.

جدول مدال ها

کشور	طلا	نقره	برنز
شوروی	۷۹	۶۲	۴۵
آلمان دمکراتیک	۴۶	۳۷	۲۷
بلنارستان	۷	۱۶	۱۵
مجارستان	۷	۹	۱۳
ایتالیا	۷	۳	۴
رومانی	۶	۵	۱۰
فرانسه	۶	۶	۳
انگلستان	۵	۷	۷
لیستان	۲	۱۳	۱۱
سوئد	۳	۳	۶

از تعطیل شدن معدن راجسزولوکیری کنید!

معدن راجسزولوکیری واقع در روستای تاکند، ارواح شهرستان تاکستان، مدتی است که تعطیل شده است. این معدن که در سالهای قبل از انقلاب سودرسانی داشته است بعد از پیروزی انقلاب، توسط مسئول آن به بیجا نهادهای مختلف از جمله باین عنوان که ضروری دهد، تعطیل شد. در حال حاضر علاوه بر اینکه این معدن عظیم ملی بی استفاده مانده است، کارگران معدن مذکور نیز بیکار شده اند، در صورتیکه دولت می تواند آنها را در اختیار رگرفتن معدن و کما ردن مدیران دولتی بر سران، از این ضرر هنگفت جلوگیری کند.

افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد.

درباره نقش نفاق افکنانه دکتر بقائی

حجت الاسلام محلاتی: "من ستم مقتضی است، خودم هم در جریان بودم، یاد هم هست دکتر بقائیها و دوستان ایشان بودند که آمدند بین مرحوم آیت الله کاشانی و مصدق جدائی افکندند. اول با زاهدی همکاری کردند و آن حکومت جلال را سرکار آوردند." (کیهان، ۹ مرداد ۵۹)

نامه سازمان حزب توده ایران در برابر جان به سپاه پاسداران آن شهر

در ارتباط با فراخوان کمیته مرکزی حزب ما به مناسبت خطر توطئه های امپریالیسم آمریکا، از طرف سازمان حزبی ما در برابر جان نامهای به سپاه پاسداران شهرستان فرستاده شد. متن نامه چنین است:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برازجان

ضمن احترام و آرزوی پیروزی شاد در راه به ثمر رساندن اهداف مقدس انقلاب اسلامی ایران، همانطور که اطلاع دارید و نیز حزب ما، در اعلامیه کمیته مرکزی خود در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۵ مذکور شد، بعد از شکست دومین کودتای نظامی امپریالیسم، صهیونیسم و ضد انقلاب داخلی، توطئه خطرناک دیگری از داخل و خارج در سر تکوین است. طبق اطلاعاتی که به دست حزب ما رسیده در این توطئه، ننگین، که به مراتب وسیع تر و پرمعنا تر از توطئه اول است امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با همکاری رژیمهای متفروص، عراق، اسرائیل، عربستان سعودی و همکاری نیروهای ارتجاعی در جنوب و غرب کشور و این توطئه را (شاپور بختیار)، نیروهای ضربتی از افسران فراری رژیم متفروص (اویسی، بالیزبان و...) و ساواکپهای فراری و دستهای مزدور در عراق و مصر و عربستان سعودی، آماده شده اند که از راه هوا و زمین و دریا خوزستان و دیگر مناطق ساحلی خلیج فارس را به اشغال در آورند و بیا بیاوند دادن این منطقه با مناطقی که اکنون در کردستان در اشغال گروههای ضد انقلاب (ماژو-ئیستها، کوله و...) است، پایگاه وسیعی برای اجرای نقشه های تجاوزکارانه خود بوجود آورند، تانیت شوم خود را مبنی بر سرنگونی جمهوری اسلامی ایران تحقق بخشند. بر این اساس حزب ما در فراخوان خود (مندرج در نامه مردم) از کلیه اعضا و هواداران خود خواسته است که با معرفی خویش به ستاد بسیج ملی، برای دفاع از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن آماده شوند. به همین خاطر همه اعضا و هواداران حزب توده ایران در سراسر کشور، از جمله ما هواداران حزب توده ایران در برابر جان و حومه، با توجه به وجود هسته ضد انقلاب در منطقه، که چندی پیش منجر به شهادت با سادار شهید (جاوید کازرونی) شد، با تمام وجود آماده ایم تا همراه سپاه، این نهاد کاملاً انقلابی، از انقلاب شکوهمند اسلامی دفاع کنیم. ما امیدواریم و زامناً تقاضا داریم که امکانات و تسهیلات لازم را برای اعضا و هواداران حزب ما، که به شهادت تاریخ روح سربازان ایثار و میهن پرستی از ویژگیهای برجسته آنان است، قرار دهید. به یادگوشا شدن دست امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و عمال داخلی بطور کامل از انقلاب شکوهمند ما و سایر جنبشهای رهائی بخش جهان و پیروزی روزافزون جمهوری اسلامی ایران در عرصه جهانی.

حزب توده ایران - سازمان برازجان

نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸
محل دفتر نامه مردم
لا در اشغال عناصر غیر مسئول است

تابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا باید از نظر نظامی مجهز شود

راج کارگران روز مزد توسط کارفرما... کارگران را بر طرف می کند. یکی از کارگران روز مزد بنام رحمان عوضی از تاریخ ۵۹/۱/۱۶ در این کارخانه کار می کرده است. کارفرما چند روز قبل وی را از کار اخراج کرده است. وی به اداره کار شکایت کرده است. این کارگر از مقامات اداره کار می پرسد طبق قانون کار هر کارگری که ۳ ماهه ۱۰ روز سابقه داشته باشد باید کارفرما وی را بپیمد. در عوض بپیمد کردن چرا از کار اخراج کرده اند.

امپریالیسم آمریکا برای سرکوب انقلاب ایران، و شخص کارتر برای انتخاب مجدد و باز کردن راه کاخ سفید به هر خس و خاشاکي... همانند غریقی محکوم به مرگ - دست می زند. هیچ عرف و ضابطه و میزانی، ملاک کار و عمل آنها نیست، مگر سود: سود سیاسی و اقتصادی. به همین جهت هم هنگامی که شاه مخلوع در مصر مرد، کم نبودند و نیستند ناظرانی که منتقد بوده و هستند که وی به دست "سیا" کشته شد. بدین معنا که بعد از یک عمر خدمتگزاری بی جون و چرا، در لحظه ای که انحصارات آمریکایی و دولت آمریکا وجود او را مانعی برای پیش برد نقشه های خود می دیدند، صاف و ساده او را از پیش پای خود برداشتند. نمونه های بسیاری که در گذشته از این طرز عمل زمامداران آمریکا و انحصارات آمریکایی وجود دارد، دلیل اضافی دیگری برای این ناظران است.

منجمله برخی ها معتقدند که وی برای حل "مسأله گروگان ها" و باز کردن راه "استقرار مناسبات عادی" با ایران، از سن ماه قبل در محافل حاکمه آمریکا، وجودش زائد و مضر تشخیص داده شده بود، لذا طبق برنامه منحصی به تدریج و گام به گام زمینه مرگ او را فراهم ساختند، تا یک باسان منابع غارتگرانه آنها، حالا دیگر لاشه متعفن بر سر راه احیای همان منافع نباشد.

مطالبی که روزنامه فرانسوی لوموند، در شماره ۳۰۳۰ شماره ۲۹ ژوئیه (۷ مرداد) خود زیر عنوان "جان ننگن تدریجی" نوشته: از این نظر بر مناسبت. لوموند البته روزنامه ای نیست که صراحتاً و با نام، در این مواقع، دست "سیا" را رو کند و منشأی را که از لابی سازی و توطئه های استوارا و به نام فاش کند. ولی مقایسه نحوه فعالیت های که بزنگان فرانسوی و نیم دایمی بزنگی شاه مخلوع پیشنهاد می کردند، با توحدهای که آمریکا بیان عملی ساختند - و در واقع به زور تحمیل نمودند - معلوم می دارد که عمدی در کار بود تا به تدریج و پس از مدت زمان معینی حتا شاه مخلوع مزاحمت را کم کند.

سیسم روزنامه لوموند چه می نویسد:

ناه از سن سال قبل منتهی به مرض "لنفوم" یعنی سرطان سلول سفید خون بود و توسط یک گروه از بزنگان فرانسوی به ویژه برفسور پل میلی ژر و گروه برفسور ژان بریارد و از راه شیمیوژنایی، یعنی جلوگیری از رشد سریع سلولها به وسیله داروهای شیمیایی معالجه می شده است. وقتی شاه به گرگ رفته بود (آبان ۵۸) این بزنگان به آنجا رفتند و همان موقع دستور برداشتن طحال و در عین حال عمل کیسه صفرا را دادند. قرار بود این عمل جراحی در بیمارستان مکرنگ انجام شود و همه چیز آماده و حاضر بود و جراحان فرانسوی و مکرنگی هم جزئیات امر را فراهم کرده بودند.

ولی به ابتکار آقای دیوید راکفلر (!) رئیس بانک جسی امپایان، شاه را به بیمارستان نیویورک بردند. رئیس هیئت مدیره این بیمارستان خود یک بانکدار معروف و کاملاً وابسته به منافع انحصارات راکفلر است. شاه روز ۲۴ اکتبر در این بیمارستان توسط بزنگی به نام دکتر کان که نه متخصص عدد سیسم لنفاوی است و نه جراح (!) زیر عمل جراحی قرار گرفت، ولی تنها کیسه صفرا را برداشتند، منتهی عمل را طوری انجام دادند که یک عمل جراحی دوم هم لازم آمد. طی مدت اقامت در بیمارستان نیویورک هر شب او را به مرکز مارتز با سلطان، نزدیک بیمارستان موربان می بردند و رادیوژنایی (معالجه اشعه) می کردند. اینها همه با نظریات بزنگان فرانسوی معایر بود و علی رغم نوصیه های دقیق و مصرانه بزنگان فرانسوی، برداشتن طحال انجام نگرفت و معالجه با داروهای شیمیایی هم تغییر داده شد و به نحوی عملی گردید که ابداً با حالت بیمار مطابقت نداشت. سپس شاه را به پایگاه نظامی سان آنتونیو فرستادند و از آنجا به پاناما فراری دادند که در آنجا حالتش به شدت به وخامت گرایید. روز ۲۸ مارس ۱۹۸۰ (فروردین ۵۹) جاره ای جز عمل طحال نبود و دیگر نمی شد آنرا به تعویق انداخت. عمل در قاهره توسط بزنگان آمریکایی، برفسور دی کی و همکارانش از هوستون انجام گرفت، که نابودی کلیول های سفید از راه شیمیوژنایی بی قاعده موجب شد بیمار طعمه انواع بیماریهای عفونی گردد...

اینهاست عین مطالبی که روزنامه فرانسوی لوموند نوشته است. از خلال همین عبارات به خوبی بیداست که در ورای رقابت بزنگی فرانسه و آمریکا، مسأله راندن عمدی شاه مخلوع به سوی تابوت و تسریع مرگ او مطرح است. قتل عمدی، منتهی دراز مدت به خوبی از این نوشته معلوم می شود.

چه کسی در این کار نفع داشته؟ چه دستهایی نوکری با وفا و بسیار تروتنند را به عدم فرستادن؟ در هر حال، برای مردم ایران شاه مخلوع مدت هاست که یک میت سیاسی بیش نبود و لذا با مرگ او در رابطه بین دشمن اصلی ما آمریکا و انقلاب ایران تغییری حاصل نمی شود. هیچ یک از جدی ترین مسائل جامعه و انقلاب ما در رابطه با آمریکای غارتگر و تجاوزگر با این مرگ حل نمیشود. مسأله استرداد اموال مسروقه ای که او به خارج برده حالا جدی تر مطرح می شود. ولی محافل آمریکایی، در هر مقامی که باشند، باید بدانند که با این گونه اقدامات نخواهند توانست مبارزه مردم قهرمان ایران را منحرف سازند.

پس از مرگ شاه مخلوع نوبت آمریکا است، نوبت نابودی کلیه ریشه های سلطه اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی آمریکا بر میهن ما.